

راهبرد دفاعی جمهوری اسلامی ایران در برابر تهدید نظامی آمریکا

احمد غلامپور^۱

تاریخ دریافت مقاله: ۸۹/۲/۲۰

تاریخ تأیید مقاله: ۸۹/۵/۲

صفحات مقاله: ۵۷ - ۱۰۱

چکیده

هر نوع وضعیت دفاعی مطمئن با هزینه‌ای قابل قبول، از ضروریات هر کشور مستقلی است که به آزادی عمل امید بسته باشد. هیچ برنامه‌ی ملی، خارجی و داخلی، در جهان سراسر رقیب امروز، بدون برخورداری از یک سپر دفاعی معتبر برای مدت طولانی پایدار نخواهد بود. اتخاذ تدابیر دفاعی ملی به نوبه خود وابسته به یک راهبرد دفاعی مناسب است که تدوین آن به منظور تعیین اهداف مورد نظر در برنامه‌های آینده کشورها و راه‌های تأمین آن به‌منظور خنثی‌سازی یا کاهش تهدیدات و یا چگونگی مقابله با آن تهدیدات در برابر دشمنان در رأس اولویت برنامه‌های مهم و راهبردی دولت قرار دارد. زیرا در جهان امروز که آمریکا با اقتصاد برتر و قدرت نظامی فوق‌العاده پیشرفته در صدر آن قرار دارد، هیچ‌گونه حد و مرزی را برای اهداف نظم نوین جهانی و نظام تک‌قطبی خود متصور نیست، امنیت ملی و منافع ملی کشورهایی که مخالف این روند هستند، بلاخص ایران پیوسته در حال تهدید می‌باشد.

* * * * *

کلید واژگان

راهبرد دفاعی، تهدید نظامی، امنیت ملی، ایران، آمریکا

مقدمه

دخالت ایالات متحده در امور داخلی کشورها و ایجاد رژیم‌های دست‌نشانده و ادامه‌ی جنگ سرد بر علیه ایدئولوژی کمونیسم جهانی که در نهایت فروپاشی آن هدف اصلی آمریکا در قرن بیستم بود، و هدف اصلی ایالات متحده در قرن بیست و یکم تحمیل ارزش‌های آمریکایی به جهانیان، در سایه‌ی ایجاد یک نظام تک‌قطبی و نظم نوین جهانی در عرصه‌ی نظام بین‌الملل و مرعوب نمودن دولت‌ها و ایدئولوژی‌های مخالف این هدف، که نشأت گرفته از نظریات اندیشمندانی هم‌چون هانتینگتون، فوکویاما و ... می‌باشد، قرار دارد.

بنابراین مقامات ایالات متحده در کاخ سفید، وزارت خارجه و پنتاگون و برخی سناتورها از حزب جمهوری خواه که وابسته به لابی صهیونیسم هستند، با سوءاستفاده از حادثه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ تحت عنوان مبارزه با تروریسم بین‌الملل و ریشه‌کنی آن با شعار بوش مبنی بر «هر که با ما نیست بر علیه ماست» به اوج رسید، و به دنبال آن جمله‌ی معروف محور شرارت را که در آن سه کشور ایران، کره شمالی و عراق در صدر کشورهای خطرناک، حامی تروریسم و تلاش برای دستیابی به سلاح‌های هسته‌ای قرار داشتند، مطرح گردید.

جورج بوش رئیس جمهور آمریکا در گام نخست به بهانه‌ی خلع سلاح عراق و جلوگیری از دستیابی این کشور به سلاح‌های کشتار جمعی و بیولوژیکی و علی‌رغم مخالفت سازمان ملل متحد و کشورهای عضو دایم شورای امنیت (به جز انگلستان) و اکثر کشورهای جهان و مردم دنیا، در راستای اهداف نظام تک‌قطبی و نظم نوین جهانی آمریکا آن را به اشغال نظامی خود در آورد که اکنون نیز گرفتار آن شده است.

اکنون نیز لبه‌ی تیز حملات عملیات روانی آمریکایی‌ها در سطح بسیار گسترده متوجه ایران شده است. اتهام جدید مقامات کینه‌توز آمریکا مبنی بر تلاش ایران برای دستیابی به فناوری صلح‌آمیز هسته‌ای است که این کشور را قادر خواهد کرد تا چند سال آینده سلاح هسته‌ای تولید نماید، بر اتهامات قبلی که شامل (حمایت از تروریسم، مخالفت با صلح خاورمیانه، نقض حقوق بشر و حمایت و پشتیبانی از مبارزان عراقی) اضافه شده است. مقامات آمریکایی این اقدامات ایران را دلایل کافی بر دشمن بالقوه بودن ایران بر منابع ملی و فراملی

این کشور می‌دانند، و چاره‌ای جز مبارزه و تسلیم و در گام بعدی حذف انقلاب اسلامی و حکومت دینی را تنها راه رسیدن به آن هدف بزرگ می‌دانند.

بیان موضوع

دشمنی ایالات متحده با مردم ایران، با پیروزی انقلاب اسلامی و با روی کار آمدن یک حکومت دینی مبتنی بر ارزش‌های والای انسانی به رهبری امام خمینی (ره) و تسخیر لانه جاسوسی و بازداشت جاسوسان آمریکا و افشای دخالت آمریکا در امور داخلی ایران - اجرای کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲- و حمایت از رژیم شاه به اوج خود رسید. (رنجبر، مقصود، ۱۳۸۰: ۱۱)

اخراج جاسوسان و مستشاران آمریکایی از ایران ابهت ابرقدرت غرب را در جهان شکست و به دنبال این وقایع و تحولات است که سردمداران آمریکا توطئه‌های زیادی را برای تسلیم نمودن ایران و حتی براندازی حکومت اسلامی ایران به کار گرفته‌اند که تشویق صدام برای حمله به ایران در ۳۱ شهریور ۱۳۵۹، حمله به سکوه‌های نفتی ایران در خلیج فارس، مورد هدف قرار دادن ایرباس و کشته شدن ۲۹۰ نفر انسان بی‌گناه و تحریم‌های گسترده اقتصادی و مالی علیه جمهوری اسلامی ایران در همین راستا قرار دارد.

مقامات کاخ سفید تصمیم گرفته‌اند هر طوری که شده در مرحله اول ایران را وادار به تسلیم و مجبور به پیروی از سیاست نظام تک‌قطبی و نظم نوین جهانی خودشان نمایند که در صورت عدم موفقیت با حمایت از مخالفان نظام و اختصاص بودجه‌ی لازم برای این امر و با استحاله‌ی فرهنگی و بی‌هویت نمودن جوانان و با ایجاد شبکه‌های مختلف خبری و صوتی - تصویری زمینه‌ی فروپاشی انقلاب اسلامی را فراهم نمایند که نمونه‌ی آن در زمینه‌سازی و هدایت اغتشاشاتی نظیر کوی دانشگاه تهران قابل مشاهده می‌باشد.

بنابراین، دست‌اندرکاران کشورمان در شورای عالی امنیت ملی که متشکل از مقامات سیاسی، اقتصادی، نظامی، فرهنگی و صاحب‌نظران مختلف هستند، با محور قرار دادن بیانات و رهنمودهای مقام معظم رهبری و امام راحل و با شناخت دقیق بازیگران اصلی نظام بین‌الملل و شکل جدید آن هم‌چنین نوع و شدت تهدیدات نسبت به تدوین یک راهبرد دفاعی بازدارندگی

برای آینده‌ی نظام در ابعاد گوناگون و در راستای منافع ملی، امنیت ملی و با تشخیص زمینه‌های آسیب‌پذیری در برابر تهدیدات داخلی و خارجی و راه مقابله با آن را برای تأمین اهداف ملی و افزایش قدرت ملی اقدام نمایند.

با توجه به واقعیت‌های موجود و مطالب عنوان شده، سؤال اصلی این است: برای مقابله با تهدیدات ایالات متحده آمریکا در ابعاد سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی چه تمهیداتی می‌توان اندیشید؟

تعریف مفاهیم

۱- راهبرد دفاعی

واژه استراتژی مأخذ از واژه یونانی (Stratagos) به معنای فناوری جنگ و یا طرح نقشه برای جنگ. نگاه به این واژه نمایان‌گر وجود خصایص نظامی در بطن و خواستگاه این واژه است. برخی استراتژی را بر مفهوم جنگ و طرح‌ریزی و یا نائل شدن به اهداف جنگ و پیروزی در آن، تأکید دارند (کلزویتس) استراتژی را فن تدارک جنگ‌ها و ترسیم طرح‌ها و نقشه‌های کلی برای جنگ می‌دانست در جای دیگر «کلزویتس» تعریف دیگری از استراتژی دارد و آن را فن به کارگیری نبرد برای نایل شدن با اهداف جنگ می‌داند. (علینقی، ۱۳۸۱: ۱۴)

۲- استراتژی ملی

استراتژی ملی مجموعه‌ای از انتخاب‌های ملی است که با عنایت به محدودیت‌ها و امکانات ملی به قصد نایل شدن به اهداف تدارک می‌شوند. در تعریف دیگر از استراتژی ملی برخی صاحب‌نظران، استراتژی را به کارگیری تمام توانایی‌های جامعه برای تحقق اهداف ملی می‌دانند. هم‌چنین «جان ام. کالینز» استراتژی را این‌طور تعریف می‌کند: «فن و علمی که قدرت ملی را تحت تمام شرایط به منظور کنترل طرف مقابل به اندازه و طریق موردنظر با به کار بردن تهدید نیروهای مسلح، فشار غیرمستقیم، سیاست، طفره و گریز و سایر ابزارهای قابل تصور بسیج می‌کند و بدین وسیله علایق و مقاصد امنیت ملی را برآورده می‌سازد». (پیشین، ۳۲۰)

۳- امنیت ملی

امنیت ملی به وضعیتی گفته می‌شود که طی آن یک ملت قادر است اهداف منافع و ارزش‌های حیاتی مورد نظر خود را در سطح ملی و فراملی گسترش دهد و یا حداقل در برابر تهدیدات بالقوه و بالفعل داخلی و خارجی از آنها حفاظت کند. (شیرزاد، ۱۳۸۰: ۱۴)

به عبارت دیگر، مفهوم امنیت ملی عبارت است از این که کشورها چگونه سیاست‌ها و تصمیمات لازم برای حمایت از ارزش‌های داخلی در مقابل تهدیدات خارجی را اتخاذ نمایند. (برکوویتزوی، ۱۳۷۸: ۱۱۱)

تهدید

تهدید دارای یک مفهوم انتزاعی است، تعیین زمان وقوع تهدید و چگونگی در معرض تهدید قرار گرفتن امنیت ملی به سادگی امکان‌پذیر نیست. پس موضوع اصلی این است که اولاً: برای هر کشوری چه ارزش‌هایی، اهداف حیاتی هستند؛ و ثانیاً: تهدیدات چگونه منجر به تغییر اساسی در اهداف و ارزش‌های مذکور می‌شوند.

یعنی احتمال ایجاد دگرگونی‌های اساسی در ارزش‌های حیاتی، موجب می‌شود تا تهدیداتی که منجر به براندازی یا دگرگونی ریشه‌ای اهداف و ارزش‌های حیاتی می‌شوند، با اقدامات و واکنش‌هایی که به تکامل و پویایی آن اهداف و ارزش‌ها می‌انجامد، از هم تشخیص داده شوند.

«اساسی‌ترین تهدید، معمولاً تهدید نظامی است، تهدید مستقیم نظامی آشکار است و هر دو طرف را در وضعیت شناخته شده‌ای قرار می‌دهد، بنابراین شناسایی آن ساده‌تر و حتی در بسیاری موارد دفاع آن نیز ساده‌تر است. اما تهدیدات غیرمستقیم ضمن اینکه همان تأثیر را می‌تواند داشته باشند، مقابله سختی را طلب می‌کند.» (کالینز، ۱۳۸۰: ۵)

تهدیدات نظامی به این دلیل اساسی‌ترین تهدید به حساب می‌آیند که در صورت تبدیل تهدیدات بالقوه به بالفعل آثار و نتایج آن بسیار زیاد و خردکننده خواهد بود، با مرور و نگاه به جنگ‌های گذشته می‌توان به خطرناک بودن جنگ پی برد، چرا که ویرانی‌های به جا مانده از

جنگ‌های نه‌چندان دور قابل لمس هستند. در جریان دو جنگ جهانی اول و دوم میلیون‌ها انسان بی‌گناه کشته شدند، و کشورهای بی‌شماری با خاک یکسان شدند، و یا جنگ‌های داخلی آفریقا، شرق آسیا و غرب آسیا مثل افغانستان و یا اختلافات هند و پاکستان بر سر کشمیر باعث تلفات انسانی، اقتصادی و فرهنگی بی‌شماری شده است، و یا جنگ هشت‌ساله تحمیل شده به ایران که صدها هزار شهید از سوی ایران و هزاران کشته از سوی عراق، و ویرانی‌های اقتصادی، فرهنگی که قابل شمارش نیست برجای گذاشت، و یا وضعیت فعلی عراق که همه چیز را به شکل گویا و آشکار بیان می‌کند، ویرانی، هزاران کشته، ناامنی و غیره تبعات این جنگ‌هاست. اما تهدیدات اقتصادی، فرهنگی و سیاسی قابل پیشگیری و مقابله می‌باشد، و تبعات و آثار منفی آن کمتر از آثار و تبعات جنگ است. خیلی از کشورها در دنیا از سوی قدرت‌های استکباری مورد تهدیدهای اقتصادی، سیاسی و فرهنگی قرار گرفته‌اند، ولی توانسته‌اند در حد توان از تبعات و پی‌آمدهای آنها بکاهند، ولی در صورت وقوع جنگ، این‌گونه کشورها همه چیز خود را از دست خواهند داد، و چه بسا اشغال نیز خواهند شد، در حال حاضر نمونه آن را داریم (عراق و افغانستان).

مطالب فوق نشانگر این است که در صورت تبدیل شدن تهدیدات نظامی به جنگ تبعات بسیار ناگوار و جبران‌ناپذیر جانی و مالی در پی خواهد داشت، بدین ترتیب، طبق قوانین بین‌المللی حمله به مناطق شهری و غیرنظامی خلاف مقررات بوده و محکوم است، چرا که در صورت حمله به این مناطق خسارات و پی‌آمدهای آن وحشتناک و غیرقابل جبران خواهد بود.

رابطه راهبرد و تهدید

راهبرد به منظور خنثی‌سازی، بی‌ثباتی و کم‌اثر نمودن تهدیدات داخلی و خارجی در حوزه‌ها و بخش‌های مختلف و ایجاد تغییرات پیاپی در روابط میان بازیگران درونی و بیرونی میدان شکل می‌گیرد، این تغییرات کم و بیش گسترده و با سرعت پیش می‌رود، در پایان نظام دوقطبی سبب دوام و پایداری تهدیدات از نظر ماهیت و میزان قدرت آن شده است. در حال حاضر به‌طور موقت دولت‌ها و ملت‌ها توانسته‌اند باور نمایند که پایان جنگ سرد جهان را به

سمتی سوق می‌دهد که قدرت و توانایی‌ها در اداره و مدیریت منازعات و بحران‌ها که می‌توانند زمینه‌ساز تهدیدات در حوزه‌های گوناگون گردند، بیشتر می‌شود.

استراتژی دارای رابطه مستقیم با تهدیدات است، چرا که برای ایمن ماندن و غلبه بر تهدیدات باعث می‌گردد که دولت‌ها و ملت‌ها متناسب با امکاناتی که در اختیار دارند، اقدام به تدوین استراتژی نمایند که با توجه به نوع و میزان تهدیدات قابلیت اجرا داشته باشد، ممکن است یک استراتژی دفاعی خوب از سوی کشوری تدوین شود، لیکن در صحنه‌ی اجرا هیچ تناسب و مطابقتی با امکانات آن کشور نداشته باشد. بدین ترتیب، این‌گونه استراتژی در عمل با مشکلات و نابسامانی‌های زیادی روبه‌رو گردیده و قابلیت اجرا را از دست می‌دهد.

بنابراین، در تدوین استراتژی که توسط کارشناسان، صاحب‌نظران و مقامات رده بالای نظام صورت می‌گیرد، توجه ویژه و خاصی به توانایی‌ها و امکانات موجود می‌گردد، تا در سایه چنین امکانات و توانایی‌ها یک استراتژی قابل حصول دفاعی صورت بگیرد. و نیز این کارشناسان، صاحب‌نظران و مقامات کشوری با شناخت و تسلط کامل به حوزه‌های تهدید اقدام به تدوین استراتژی می‌نمایند،

وقتی بحث از رابطه استراتژی و تهدید به میان می‌آید، ذهن آدمی ناخودآگاه متوجه منافع ملی و امنیت ملی می‌گردد. زمانی که مسأله تهدید امنیت ملی و منافع ملی مطرح می‌گردد، آنگاه است که چگونگی رابطه استراتژی و تهدید به روشنی مورد توجه قرار می‌گیرد و در موارد زیر برجسته می‌شود:

- الف) تهدید نظامی، اساسی‌ترین و اصلی‌ترین تهدید امنیت ملی تلقی می‌شود؛
 ب) مقابله نظامی، مناسب‌ترین ابزار برای مقابله با تهدیدات است؛
 ج) تهدیدات خارجی نسبت به تهدید داخلی، از اهمیت و اولویت بیشتری برخوردار است. (درویشی، ۱۳۷۹: ۱۶۴)

«استراتژی نظامی از به کار بردن قدرت فیزیکی یا تهدید به آن صحبت می‌کند» (پیشین)
 مطلب فوق نشانگر رابطه استراتژی نظامی با تهدید است، استراتژی نظامی چه در زمان تدوین برای درازمدت برای رسیدن به اهداف معین، چه برای مقابله با تهدیدات احتمالی از سوی

دشمن خارجی یا داخلی با یکدیگر رابطه منطقی دارند؛ استراتژی‌ها بر اساس نوع تهدید طرح‌ریزی و تدوین می‌گردد.

استراتژی و تهدید رابطه متقابلی با یکدیگر دارند، بدین دلیل همواره اغلب استراتژی‌ها به‌ویژه استراتژی نظامی برای مقابله با تهدیدات و نحوه مقابله و خنثی نمودن تهدیدات تدوین می‌گردد. در تدوین استراتژی نوع تهدید بسیار حائز اهمیت می‌باشد، یک وقت تهدید، تهدید اقتصادی است، باید استراتژی اقتصادی تدوین نمود. و یا تهدید، تهدید نظامی است، باید استراتژی دفاعی تدوین نمود. اغلب کشورهای قدرتمند دارای چنین استراتژی می‌باشند، در طول تاریخ انسان همیشه به‌واسطه مورد تهدید قرار گرفتن، برنامه‌هایی برای غلبه بر این گونه تهدیدات را برای خودش محفوظ نموده و از آن بهره‌مند شده است چرا که هیچ قومی یا ملتی بدون استراتژی نمی‌تواند بر پیش‌آمدهای ناگهانی غلبه نماید؛ بنابراین، استراتژی به واسطه ترس از تهدید و برای مقابله و غلبه بر تهدید دشمن تدوین می‌گردد.

تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در گذشته

پس از پیروزی انقلاب اسلامی، آمریکا به علت سقوط حاکمیت خود در کشور ایران، طرح دشمنی با نهضت مقدس ملت ایران را سرلوحه‌ی طرح‌های مدون خویش برای نفی دین و دین‌باوری در جهان قرار داده و حکومت شاه تحت سیطره ایالات متحده بود. شکست حاکمیت پهلوی و استقرار نظام اسلامی به جای حکومت شاهنشاهی هم ایران را از سلطه آمریکا رها کرد و هم سیاست‌های کلان اسلام‌ستیزی غربی‌ها را با شکست مواجه نمود. این دو فرایند، برای استکبار جهانی خوشایند نبود، و او را وادار کرد تا اولویت نخست خویش را در دنیای کنونی، براندازی جمهوری اسلامی قرار دهد. (شیرازی، ۱۳۸۲: ۱۱)

طرح‌های اولیه (تهدیدات نظامی)

۱- غائله آفرینی برای تجزیه ایران

آمریکاییان پس از فعالیت‌های زیادی برای جلوگیری از روی کار آمدن افراد ضدآمریکایی و روحانیون آگاه و گم‌اردن دست‌نشانندگان خویش بر پست‌های حساس مثل

ریاست جمهوری و نخست‌وزیری موفقیت لازم را به دست نیاوردند و آشکارا پی به شکست‌هایشان در این راه بردند، دست به شیطنت‌ها و توطئه‌های جدید زدند و آن غائله‌آفرینی و ایجاد ناآرامی‌ها و اغتشاشات در مناطق خاصی چون، کردستان، بلوچستان، آذربایجان شمال کشور یعنی آمل و نیز خوزستان بود. تا از این طریق بتوانند انقلاب اسلامی ایران را با یک بحران داخلی (جنگ‌های داخلی) روبه‌رو سازند. تا شاید به سرنگونی انقلاب نوپای ایران بینجامد. اما خوشبختانه با هوشیاری مقامات جمهوری اسلامی ایران و در رأس آنها امام رحمت‌الله علیه و ملت شریف ایران و مناطق یاد شده توطئه‌های دشمنان یکی پس دیگری برملا و شکست خورد.

«آمریکاییان در مرحله اول برای رسیدن به هدف، طرح غائله‌آفرینی را تدوین کردند و به مرحله اجرا گذاشتند. دامنه این طرح در هنگام اجرا، کردستان، سیستان و بلوچستان و خوزستان و آمل و تبریز را دربرگرفت و ترور شخصیت‌های سیاسی، نظامی و فرهنگی نظام نیز در آن جاسازی شد.» (پیشین، ۱۲)

در این مرحله مناطق یاد شده به سوی بحران‌آفرینی و تا آستانه جنگ داخلی پیش رفت. آمریکایی‌ها از همان اوایل انقلاب در فکر تجزیه ایران به چند منطقه کوچک‌تر بوده تا از این طریق بتوانند حاکمیت مرکزی را تضعیف نموده و سپس انقلاب اسلامی ایران را با شکست روبه‌رو نمایند. در راستای این هدف آمریکاییان، توطئه‌های مختلف و گوناگونی را طرح‌ریزی نموده که می‌توان به برخی از آنها به صورت گذرا اشاره کرد.

۲- طرح کودتای نظامی بر علیه انقلاب اسلامی ایران

آمریکا و دستگاه‌های اطلاعاتی و جاسوسی‌اش، بعد از ناکامی در طرح غائله‌آفرینی (جنگ‌های داخلی منطقه‌ای، شورش، اغتشاشات و تجزیه‌طلبی) در ایران، طرح‌های دیگری را برای شکست و از پا در آوردن انقلاب اسلامی ایران به اجرا درآورد. کارتر رئیس‌جمهور وقت آمریکا بعد از اینکه طرح‌های قبلی ایالات متحده در ایران را ناکام و شکست خورده دید، خبر

از توطئه و اقدامات جدیدی برای سقوط و سرنگونی انقلاب اسلامی ایران داد که حمله به طبرستان و کودتای نظامی نوژه از جمله آنها بود.

۳- حمله به طبرستان

«برژینسکی» از طراحان اصلی تجاوز به طبرستان و مسئول اجرایی آن، در مورد چگونگی تصمیم‌گیری در مورد این طرح می‌گوید:

«طرح عملیات نجات، از نخستین روزهای گروهان‌گیری تحت مطالعه بود و من روز یازدهم نوامبر (یک هفته پس از گروهان‌گیری) برای بررسی نقشه‌های عملیات و مشکلات این کار به پنتاگون رفتم. تصمیم برای رهایی گروهان‌ها با توسل به زور در فاصله سه هفته بین ۲۱ مارس تا ۱۱ آوریل ۱۹۸۰ فروردین ۱۳۵۹ اتخاذ شد. بهانه‌ی تجاوز نظامی «نجات» گروهان‌ها بود، ولی آن طور که برژینسکی اعتراف می‌کند علت واقعی چیز دیگری بوده است.» (پیشین، ۱۷۵)

ایالات متحده قصدش از این طرح‌ها این بود ضربه شدیدی را که با اشغال لانه جاسوسی به «حیثیت جهانی» و مطامع آن کشور وارد شده بود، جبران نماید.

در خصوص حمله به طبرستان و اهدافی که ایالات متحده از این طرح به دنبال دستیابی به آن بود، «مایلز کاپلند» یکی از دست‌اندرکاران سابق اطلاعاتی آمریکا که در کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ همکار «کرمیت روزولت» بود، می‌گوید:

«هدف از تهاجم طبرستان، تنها آزادی گروهان‌ها نبود، بلکه کودتا برای سرنگونی رژیم ایران، هدف اصلی این عملیات بوده است.» (پیشین، ۱۷۶)

بدین ترتیب، طبق شواهد و قرائن متقن ادعای مقامات کاخ سفید مثل «کارترا»، «برژینسکی» و دیگر مقامات اطلاعاتی آمریکا که هدف از عملیات نظامی به طبرستان را آزادی گروهان‌ها اعلام نموده‌اند، کاملاً در راستای فریب و گمراه نمودن افکار عمومی ملت‌های خود و به‌ویژه ملت ایران بوده تا به‌نحوی بتوانند ماجرا را در ثبت تاریخ طور دیگری رقم بزنند.

۴- کودتای نوژه

بعد از شکست حمله به طبرس که از سوی ایالات متحده و با هواپیماهای جاسوسی، و هلی‌کوپترهای تهاجمی و کماندوهای آموزش دیده در صحرای طبرس و به دنبال افتضاح نظامی، سیاسی که بر حیثیت ابرقدرتی چون آمریکا وارد شد، باز مقامات سیاسی و اطلاعاتی ایالات متحده از این شکست‌ها عبرت نگرفتند و در پی توطئه‌های جدید برآمدند، تا بتوانند با سازماندهی دقیق‌تر و با همکاری عناصر رژیم پهلوی که در درون دستگاه‌های نظامی به‌ویژه در نیروی هوایی که اکثراً تربیت شده آمریکا بودند، زمینه سرنگونی انقلاب اسلامی ایران را از راه کودتای نظامی نوژه فراهم سازند. اما به یاری و لطف خدای متعال و هوشیاری فرزندان پاک و رشید ایران در نیروی هوایی که تربیت یافته مکتب اهل بیت و خمینی کبیر(ره) بودند، این توطئه نیز خنثی و با شکست روبه‌رو گردید.

مجموعه عوامل ذهنی و عینی گوناگونی پس از پیروزی انقلاب اسلامی موجب به هم خوردن روابط ایران و آمریکا شد و در نتیجه این عوامل، به نوعی تهدیدات و زمینه‌سازی به شکست کشاندن انقلاب اسلامی به حساب می‌آیند که عبارتند از:

- ۱) بدبینی رهبران انقلاب به آمریکا؛
 - ۲) حمایت‌های آمریکا از شاه، قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی؛
 - ۳) اصول‌گرایی اسلامی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و تلاش برای صدور انقلاب اسلامی؛
 - ۴) اشغال سفارت آمریکا در ایران؛
 - ۵) مشارکت آمریکا در کودتای نوژه؛
 - ۶) حمله هوایی آمریکا به طبرس؛
 - ۷) جنگ تحمیلی و حمایت‌های همه‌جانبه آمریکا از عراق؛
 - ۸) درگیری مستقیم آمریکا با ایران در سال‌های پایانی جنگ؛
 - ۹) مصادره اموال و دارایی‌های ایران در آمریکا. (رنجبر، پیشین، ۲۱-۲۲)
- این قسمت از مطالب را با فرازهایی از سخنان حیات‌بخش امام خمینی(ره) به پایان می‌رسانیم.

«امروز بعضی از دولت‌های بزرگ، به عنوان شرور بین‌المللی، از حدود خود تجاوز کرده‌اند؛ برای پیشبرد سیاست‌های خود، از اعمال هرگونه زورگویی دریغ نمی‌کنند؛ علیه ملت‌هایی که می‌خواهند آزاد زندگی کنند و دست چپاولگران را از سفره‌های گسترده منافع ملی خود قطع کنند، فشار نظامی و سیاسی و تبلیغاتی وارد می‌کنند.» (نمایندگی ولی فقیه، ۱۳۸۱: ۲۹۰)

۵- جنگ تحمیلی عراق علیه ایران

پس از اینکه آمریکا در طرح‌های پیشین که سخن از آنها گفته شد، قادر به مهار و شکست انقلاب اسلامی ایران نشد، دست به اقدام و توطئه جدیدی زد و آن تحریک صدام برای حمله نظامی گسترده به ایران در سال ۱۳۵۹ بود که با سفر مشاور امنیت ملی «کارترا» یعنی «برژینسکی» به عراق و دیدار با صدام و تشویق عراق برای حمله به ایران به وقوع پیوست، و مدت هشت سال با کمک‌های گسترده شرق، غرب و حکومت‌های مرتجع عربی به طول انجامید. در این مدت غرب به رهبری آمریکا از هر آنچه که می‌توانست زمینه شکست ایران را فراهم کند، دریغ نورزیدند. ولی این توطئه نیز با یاری خدای متعال و پایداری و استقامت ملت ایران راه به جای نبرد و باعث تسلیم دشمنان ایران شد.

«جنگ تحمیلی عراق علیه ایران اسلامی به کار گرفته شد و تا بدان جا پیش رفت که تقریباً تمامی دنیا برای نفی حاکمیت دینی از صدام حمایت کردند و باعث خسارت‌های زیادی به کشورمان شدند.» (شیرازی، پیشین، ۱۲)

دولت آمریکا پس از شکست کودتای نوژه، انجام یک حمله نظامی دیگر (پس از حمله طبس) به ایران را در دستور کار خود قرار می‌دهد. بنا بود که در این حمله ضمن آزاد ساختن گروگان‌ها، آمریکایی‌ها درس فراموش نشدنی‌ای به ایران بدهند. یکی از روزنامه‌ها در این باره نوشت:

«منابع موثق در کنگره آمریکا و «جک اندرسون» خبرنگار مشهور آمریکایی فاش کردند که دولت کارتر در تدارک عملیات نظامی جدید برای نجات گروگان‌های آمریکایی در تهران است. این عملیات که نام رمز «جهش مثبت ۸۰» دارد، قرار است که در اواسط ماه اکتبر (اواخر مهر ماه) و در فاصله‌ای کوتاه از زمان انتخابات ریاست جمهوری آمریکا انجام پذیرد.

«جک اندرسون» طی مقاله‌ای در روز دوشنبه در روزنامه «واشنگتن پست» درباره طرح حمله نظامی جدید آمریکا توسط کارتر را فاش ساخت و در یک نشریه دیگر به نام «مادستویی» چاپ کالیفرنیا انتشار یافته است که نظامیان طرحی برای حمله گسترده و قوی نظامی علیه ایران برای ارایه به کارتر تهیه دیده‌اند.»

بدیهی است که ایالات متحده از تحمیل جنگ عراق علیه ایران به دنبال چند هدف عمده بوده است.

- ۱) آزاد کردن گروگان‌ها و جاسوسان خود در ایران، که در حبس بسر می‌بردند؛
- ۲) جبران شکست‌های قبلی در جریان کودتای نوژه و حمله نظامی به طبرس؛
- ۳) پیروزی کارتر در انتخابات ریاست جمهوری، چرا که کارتر به علت شکست در طرح‌ها و توطئه‌های قبلی علیه ایران، اعتبار و حیثیت خویش را از دست داده بود؛
- ۴) شکست دادن جمهوری اسلامی ایران از طریق یک حمله نظامی گسترده، که توسط صدام به مورد اجرا گذاشته شد، اما آمریکا در این اقدام نیز موفق نشد و از روی عصبانیت در اواخر جنگ بود که خود شخصاً نظامیان آمریکایی مستقر در خلیج فارس را وارد جنگ مستقیم با ایران نمود، که درگیری ناوهای جنگی آمریکا و ایران در خلیج فارس و ساقط نمودن هواپیمای مسافربری ایرباس ایران با ۱۹۰ سرنشین در همین راستا داشت.

طرح سیاست مهار ایران

این طرح در اواخر حکومت بوش اول در کنگره آمریکا مورد تصویب قرار گرفت و در زمان «بیل کلینتون» و با حمایت‌های افراد تندرو در سنا، کنگره و هیئت دولت آمریکا به مرحله اجرا گذاشته شد، هدف طراحان این سایت، شکست اقتصاد و تضعیف بنیه مالی ایران بود، نوع نگرش مقامات آمریکایی در این طرح سیاست بدون سلاح و نبردی غیر از غائله‌آفرینی، تجزیه‌طلبی، کودتا و جنگ بود. این مرحله را باید اولین مرحله از دوران نبرد آرام و ساکن نامید. از آن مقطع به بعد، دیگر دشمنی‌ها از پهنه سلاح پا را بیرون و فراتر گذاشت و به شیوه جدید مبدل گردید:

۱- اتهام حمایت ایران از تروریسم

این طرح نیز به دنبال طرح‌های قبلی آمریکا برای به چالش کشیدن جمهوری اسلامی ایران به منظور اجرای سیاست‌های خصمانه آن کشور بر علیه جمهوری اسلامی قرار دارد، آمریکایی‌ها از راه‌های گوناگون و به هر طریق ممکن به دنبال بهانه‌هایی هستند تا بتوانند از این رهگذر تهدیدات خودشان را بر علیه ایران عملی سازند. مقامات کاخ سفید در پی اتهاماتی هستند که در سطح جهان به‌ویژه در نزد دولت‌ها و ملت‌های غربی حامی داشته باشد تا بتوانند به نوعی افکار عمومی جهان را با سیاست‌های ظالمانه خود همسو سازد و به نوعی تهدیدات آمریکا با مشروعیت ادامه پیدا نماید.

۲- اتهام سلاح کشتار جمعی

در راستای تهدیدات و طرح‌های مدون ایالات متحده بر علیه ایران به منظور تضعیف و سرنگونی جمهوری اسلامی ایران، دومین برنامه و اهرم فشار بر ایران واژه اتهام دستیابی ایران به سلاح‌های هسته‌ای قرار دارد. آمریکاییان همواره ایران را به عنوان خطر برهم‌زننده ثبات جهان و منطقه قلمداد می‌کنند، و در این راه هم تبلیغات گسترده رسانه‌ای و دیپلماتیک در سطح وسیع بر علیه ایران به راه انداخته‌اند که هنوز هم ادامه دارد، و مسئله هسته‌ای ایران و فشار شورای حکام و شورای امنیت به رهبری آمریکا و غرب در همین راستا قرار دارد و از ایران می‌خواهند که دست از فعالیت‌های هسته‌ای بردارد و حتی اجازه تحقیق به دانشمندان ایرانی را هم ندهند.

با توجه به موارد یاد شده دیدگاه ایالات متحده و مبنای ذهنی و اقدام آن کشور بر علیه جمهوری اسلامی ایران و ادامه ضدیت با انقلاب و مردم ایران را می‌توان مبتنی بر پنج تصور زیر داشت:

۱- حمایت‌های ایران از تروریسم؛

۲- سیاست راهبردی ایران در خصوص مخالفت با فرایند صلح خاورمیانه؛

۳- تلاش‌های ایران برای دستیابی به تسلیحات هسته‌ای؛

۴- تلاش‌های ایران برای به دست آوردن توانایی مؤثر در سلاح‌های متعارف به منظور تهدید همسایگان،
 ۵- حقوق بشر و دموکراسی،» (رنجبر، پیشین، ۳۲)

طرح‌های فرهنگی

یکی دیگر از تهدیدات و طرح‌های مدون ایالات متحده آمریکا بر علیه ایران، مسائل فرهنگی می‌باشد، به اعتقاد اکثر کارشناسان و صاحب‌نظران داخلی و خارجی مهم‌ترین و برجسته‌ترین تهدیدات مقامات آمریکایی بر علیه جمهوری اسلامی ایران مسائل فرهنگی و به دنبال آن استحاله فرهنگی و بی‌هویت نمودن مردم ایران به‌ویژه جوانان می‌باشد، چرا که آمریکاییان پی به هوش و زکاوت جوانان ایران برده‌اند، و می‌دانند که با تمسک به دین اسلام و ارزش‌های ایرانی و اسلامی، قادرند قله‌های علمی را یکی پس از دیگر فتح نمایند که نمونه آشکار و روشن آن دستیابی محققان جوان ایرانی به تکنولوژی انرژی هسته‌ای، سلول‌های بنیادی و موفقیت چشم‌گیر آنان در المپیادهای علمی است که به مقام‌های ممتاز دست یافته‌اند و جهانیان را به حیرت واداشته است. لذا از این رو است که آمریکایی‌ها نگران پیشرفت آینده آنان می‌باشند، بدین دلیل طرح‌های استحاله فرهنگی متعددی را برای آنان در نظر گرفته‌اند.

تهدیدات خصمانه

۱- سیاست مهار دوجانبه یا محدودیت دوگانه

پس از اینکه سیاست‌های مثل طرح‌های اولیه، تهاجمات فرهنگی، اتهام حمایت ایران از تروریسم، اتهام نقض حقوق بشر و موارد دیگر ایالات متحده علیه ایران جواب نداد و عدم کارآیی خود را نشان و بروز داد، مقامات آمریکایی سیاست مهار را مطرح و آن را یکی دیگر از استراتژی‌های خود برای مقابله با ایران و وادار ساختن ایران به منظور تسلیم شدن در برابر خواسته‌های زیاده‌خواهانه آمریکا در پیش گرفتند، و آن را بر علیه ایران اعمال نمودند.

مقامات آمریکا از اتخاذ سیاست مهار بر علیه جمهوری اسلامی ایران اهداف زیر را دنبال می‌کردند، تا بتوانند جمهوری اسلامی ایران را تضعیف، تسلیم در غیر این صورت سرنگون نمایند.

۱-۱) جلوگیری از دسترسی ایران به تسلیحات مدرن و تقویت بنیه نظامی؛

۱-۲) ممانعت از دسترسی ایران به تکنولوژی پیشرفته؛

۱-۳) ممانعت از اعطای وام و اعتبارات خارجی به ایران؛

۱-۴) اعمال تحریم‌های اقتصادی؛

۱-۵) جلوگیری از استفاده صلح‌جویانه ایران از انرژی هسته‌ای؛

۱-۶) جنگ روانی و تبلیغاتی.

«در واقع اهداف شش‌گانه فوق که از سوی عوامل صهیونیست نفوذ کرده در دستگاه حاکمه آمریکا تجویز شده، آن‌چنان طراحی گردیده است که نه تنها بنیه نظامی جمهوری اسلامی ایران را تضعیف کرده و توازن قوا در منطقه را علیه جمهوری اسلامی ایران برهم می‌زند، بلکه بتواند به شدت بنیه اقتصادی ایران را نیز تحلیل برده، در نهایت به تسلیم در مقابل آمریکا وادار نماید.» (غضنفری، ۱۳۸۰: ۳۶۴)

۲- حمایت از گروهک منافقین

دولت کلیتتون نیز همانند اسلاف خود به حمایت و پشتیبانی در تمام زمینه‌ها از گروهک‌های ضدانقلابی از جمله منافقین پرداخت، گروهکی که ایدئولوژی آن بر ترور و وحشت پایه‌گذاری شده و پس از انقلاب دستشان به خون بسیاری از فرزندان ملت ایران آلوده شده و به شدت مورد نفرت مردم ایران می‌باشد. از آنان در راه اهداف خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران به بهره‌برداری‌های سیاسی و اقتصادی، در راستای وادار ساختن دولت ایران برای تسلیم در برابر خواسته‌های زیادی خواهانه آمریکا پرداخت و از آنها به عنوان لابی فشار بر علیه نظام نوپای انقلاب اسلامی ایران استفاده نموده و می‌کند.

۳- تخصیص بودجه جهت براندازی جمهوری اسلامی ایران

طی نزدیک به سه دهه، مقامات آمریکایی برای براندازی جمهوری اسلامی ایران منابع مالی عظیمی را به گروه‌های ضدانقلاب و شخصیت‌های مخالف نظام اسلامی چه ساکن در

آمریکا، چه ساکن و فعال در داخل کشور و یا سایر نقاط دنیا اختصاص داده‌اند؛ این کمک‌ها و حمایت‌های مالی آمریکا در راستای استراتژی براندازی و یا سرنگونی انقلاب اسلامی ایران قرار دارد.

تهدیدات حال

الف) اقتصادی؛ ب) سیاسی؛ ج) فرهنگی.

تهدیدات آمریکا بر علیه جمهوری اسلامی ایران که شامل: تهدیدات اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی است، هم‌چنان ادامه دارد. چرا که سیاست خصمانه آمریکا بعد از پیروزی انقلاب و قطع رابطه سیاسی میان دو کشور بر سر بسیاری از مسائل به قوت خود باقی است. این موضع کینه‌توزانه استراتژی بلندمدت آمریکا است تا بتواند ملت انقلابی و دولت ایران را در برابر خواسته‌های نامعقول و زیادی خواهانه خود تسلیم نماید.

الف) تهدیدات اقتصادی

همان‌طور که پیش‌تر گفته شد، هر ملتی که تسلیم خواسته‌های مقامات کاخ سفید نشود، و در برابر تقاضاهای غیرمشروع آمریکا موضع‌گیری و یا ایستادگی کنند، مورد خشم و غضب آنها واقع می‌گردند، و برای وادار کردن ملت‌ها برای تن دادن به خواسته‌های آنان، از هر ابزاری استفاده می‌کنند که یکی از این ابزارها، فشارها و تحریم‌های اقتصادی است. مردم ایران نیز به علت پایبندی به سیاست‌های اصولی و ارزش‌های انقلابی خود در مواجهه با آمریکاییان، مورد خشم آنها قرار گرفته و با تحریم‌های اقتصادی روبه‌رو می‌گردد. هرگاه که طرح‌ها و توطئه‌های آمریکا در برابر ایران با شکست روبه‌رو می‌شود، از ابزارهای اقتصادی فراوانی استفاده نموده که یکی از طرح‌های اقتصادی برای فشار بر اقتصاد و در نهایت فشار به ملت ایران، برای تسلیم و خسته کردن آنها، تحریم اقتصادی کلیت است که هنوز هم ادامه دارد و هر ساله از سوی رئیس‌جمهور آن کشور تمدید می‌گردد.

ب) تهدیدات سیاسی

یکی دیگر از تهدیدات حال حاضر که از سوی آمریکا متوجه جمهوری اسلامی ایران می‌شود، تهدید سیاسی است؛ این تهدید خوراک همیشگی و ادبیات لفظی مقامات آمریکایی می‌باشد که با اتخاذ یک سیاست منفی و ستیزه‌جو در برابر ایران به کار می‌رود. هدف هیأت حاکمه آمریکا از به کارگیری چنین سیاستی زمینه‌سازی برای انزوای منطقه‌ای و بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.

از ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی ایران، این سیاست از استراتژی بلندمدت مقامات آمریکایی بوده و هست، آنها در هر کنفرانس و در هر اجلاسی و در هر گفتگوی چندجانبه، غیرممکن است که اظهارنظر سیاسی بر علیه ایران نداشته باشند، مقامات کاخ سفید در تمام ملاقات‌های خودشان با کشورهای دنیا به‌ویژه کشورهای منطقه و همسایه ایران بعید است که در مورد ایران با آنان محاوره نمایند و یا بر علیه ایران اظهارنظر و جوسازی نکنند، این جوسازی‌ها به خاطر انزوای ایران و تغییر موضع کشورها نسبت به جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد. به‌ویژه که این ادبیات در مقطع فعلی که ایران موفقیت‌های چشمگیری در زمینه فعالیت‌های هسته‌ای به دست آورده و مورد مخالفت دولت مردان آمریکایی است، به اوج خود رسیده است.

در چند سال اخیر، یعنی از زمانی که جمهوری خواهان و نومحافظه‌کاران تندرو قدرت را در آمریکا به دست گرفته‌اند، از ادبیات تهدید و سیاست مخفی بر علیه ایران بیش از هر زمان دیگر استفاده نموده‌اند، و بیشترین تهدید هم از سوی جورج بوش، وزیر خارجه، وزیر دفاع و نماینده دایم این کشور در سازمان ملل یعنی جان بولتون و مقامات صهیونیستی در هیأت حاکمه این کشور بیان و مطرح گردیده است. جورج بوش پس از قضایای ۱۱ سپتامبر لفظ محور شرارت را به کار برد و ایران اسلامی را نیز جزو این محور نام نهاد. بنابراین، یکی از استراتژی‌های مقامات کاخ سفید و سیاست بلندمدت این کشور بر علیه کشورهای مخالف و مستقل، مانند جمهوری اسلامی ایران به منظور منزوی ساختن و به کار بردن ادبیات سیاسی از این نوع می‌باشد.

ج) تهدیدهای فرهنگی

آمریکا بزرگ‌ترین و خطرناک‌ترین تهدیدکننده فرهنگ‌های جهانی است که با دراختیار داشتن بزرگترین و پیشرفته‌ترین غول‌های رسانه‌ای دیداری و شنیداری جهان در قالب کارناوال‌های مبتذل فرهنگی از طریق رادیو، تلویزیون، اینترنت و فیلم‌های هالیوودی مبتذل سعی در تغییر فرهنگ ملی و بومی کشورهای جهان را دارد که ایران اسلامی نیز مستثنی از این تهاجم و شبیخون فرهنگی نیست. آمریکا فرهنگ‌های جوامع مختلف به‌ویژه جوامع مسلمانان و بالاحص جامعه ایران را هدف قرار داده است تا بتواند از این راه فرهنگ و ارزش‌های لیبرال دموکراسی غربی را که یک فرهنگ عربان و مبتذل است، جایگزین سایر فرهنگ‌ها در تمام نقاط دنیا نماید.

تهدیدهای آینده

با عنایت به شکست طرح‌ها و توطئه‌های آمریکا در طول ۲۷ سال گذشته علیه ایران و نیز به دلیل عدم کارآیی فشارها، تهدیدات و ارباب علیه دولت و مردم ایران، مقامات کاخ سفید را مجاب نمی‌کند از عناد و سیاست‌های خصمانه خود علیه جمهوری اسلامی ایران دست بکشند، لذا هیأت حاکمه آمریکا باز هم درصدد هستند، طرح‌ها و توطئه‌های جدیدی را برای وارد ساختن یک ضربه کاری به انقلاب اسلامی ایران به منظور وادار نمودن ایران برای عدول از اصول ثابت در سیاست خارجی خود در مواجهه با دولت آمریکا به اجرا بگذارند. بدین ترتیب، مقامات آمریکایی به دنبال این هستند، تا ضمن ادامه طرح و توطئه‌ها و سیاست‌های خصمانه گذشته خود بر ضد دولت و ملت ایران، سیاست و استراتژی بلندمدت را برای آینده در خصوص انقلاب اسلامی ایران تدارک ببینند که این استراتژی و سیاست‌ها در موارد زیر خلاصه می‌گردد:

- ۱) ادامه سیاست منزوی ساختن ایران در منطقه و جهان؛
- ۲) ایجاد اختلاف میان دولت‌مردان کشورمان؛
- ۳) ایجاد اختلافات قومی و مذهبی در ایران؛

۴) ایجاد طرح‌هایی برای تجزیه ایران؛

۵) رواج و اشاعه بی‌بند و باری و فساد در میان جوانان.

موارد فوق چالش‌ها و تهدیدات پیش‌روی آینده کشور می‌باشند که بی‌توجهی و یا کم‌توجهی به آنها می‌تواند خسارات و صدمات غیرقابل جبران را به دنبال داشته باشد. لذا دولتمردان، سیاستگذاران و نیز مسئولان فرهنگی کشور باید راهبردهای مقابله و خنثی‌سازی چنین طرح‌ها و توطئه‌ها را تدوین و در زمان مقتضی به مورد اجرا بگذارند.

«استراتژی کلان ایالات متحده را می‌توان از اسناد منتشر شده در دوره ریاست جمهوری کلینتون به دست آورد که عبارت است از استراتژی درگیری و گسترش آن، در این گزارش‌های رسمی ایالات متحده آمادگی خود را برای مقابله با انواع مختلف خطرات و تهدیدات زیر آماده کرده است:

۱) منازعات بزرگ منطقه‌ای؛

۲) فعالیت‌های سازمان‌های تروریستی و تروریسم بین‌المللی؛

۳) تکثیر سلاح‌های هسته‌ای، میکروبی، شیمیایی و ابزار پرتاب.» (اسکینر، بادوا، ۱۳۸۰: ۵۲۷-۵۲۸)

استراتژی‌های یادشده به خوبی اهداف آینده آمریکا را برای تسلط بیشتر در جهان به‌ویژه در منطقه خاورمیانه نشان می‌دهد، یقیناً هیأت حاکمه آمریکا با مستمسک قرار دادن مورد سه‌گانه فوق دامنه دخالت‌ها و درگیری‌های پیشگیرانه خود را گسترش خواهد داد، این اجازه را به خود می‌دهد تا هرگاه که بخواهد، از مؤلفه‌های فوق بر علیه دیگر دولت‌ها به‌ویژه دولت و ملت ایران استفاده نماید تا بتواند به سیاست‌های زیادی خواهانه خود ادامه دهد تا هم‌چنان افکار عمومی جهانیان را مسموم نگهدارد.

در این‌جا این سؤال مطرح می‌گردد که با توجه به استراتژی و سیاست‌های بلندمدت و خصمانه غرب به‌ویژه ایالات متحده بر علیه ایران، سیاست‌ها و استراتژی ایران مبتنی بر چه اصولی خواهد بود؟ پاسخ این سؤال را هفته‌نامه صبح صادق این‌گونه بیان می‌کند:

«جمهوری اسلامی ایران اگر چه از سیاست تنش‌زدایی غافل نمی‌باشد، اما این به معنای تکیه صرف بر مبانی اخلاقی و قانع‌سازی طرف مقابل به هر قیمت ممکن نخواهد بود و

نظریه‌هایی چون ادغام در محیط بین‌الملل جهت حل مشکلات و معضلات نظام، هیچ جایگاهی در دکترین جمهوری اسلامی ایران نخواهد داشت.» (باقری، ۱۳۸۴: ۸)

درباره اینکه تهدیدات غرب در رأس آن ایالات متحده، در آینده نیز به شکل جدید و بسیار جدی ادامه خواهد یافت اشاره به مطلبی می‌تواند تکمیل‌کننده گفته‌های ما گردد. در همین راستا «جورج شوانز» وزیر سابق دارایی آمریکا اعلام کرد که:

«انقلاب اسلامی خطرناک‌ترین دشمن مشترک تمدن غرب در سراسر تاریخ آن است.» (واعظی، ۱۳۷۹: ۳۱۵)

قوت‌ها

الف: موقعیت راهبردی ایران

جمهوری اسلامی ایران از لحاظ جغرافیایی در یک منطقه‌ی ممتاز و بسیار استراتژیک جهان به‌ویژه در قلب خاورمیانه قرار گرفته است. این موقعیت و مزیت در تمام زمینه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی ایران را قادر می‌سازد که در تمام تغییر و تحولات و معادلات جهانی و منطقه‌ای به عنوان یک واحد بسیار تأثیرگذار ایفای نقش نماید.

با توجه به اینکه در تبیین استراتژی موقعیت‌های ممتاز فوق‌مورد عنایت قرار می‌گیرد، دست‌اندرکاران نظام را قادر می‌سازد تا با به‌کارگیری و استفاده به موقع و صحیح از مؤلفه‌های یادشده اجرای استراتژی را در برابر تهدیدات دشمنان به‌ویژه ایالات متحده با موفقیت‌های بیشتری به پیش ببرند، تا بتوانند تهدیدات آمریکا را به راحتی مقابله نمایند.

ب) رهبری

هدایت و رهبری یک جامعه بشری شرط پویایی، ایستادگی، پیشرفت و غلبه بر مشکلات متعدد (اقتصادی، سیاسی، نظامی و فرهنگی) می‌باشد، هدایت صحیح از ویژگی‌های یک رهبر سیاسی و مذهبی می‌باشد، جوامع بسیاری بودند که بعد از قرن‌ها توانستند از زیر یوغ استکبار رهایی پیدا کنند، هند یکی از همین کشورها بود، «جواهر لعل نهرو» با رهبری صحیح جامعه

هند و ایستادگی در برابر استعماری انگلیس در قرن بیستم توانست، هند را به استقلال برساند، رهبران مذهبی و سیاسی دیگری نیز بودند که چنین کارهای بزرگی را در تاریخ انجام دادند. برجسته‌ترین رهبر مذهبی در قرن بیستم کسی جز امام خمینی (ره) نبود، که توانست پس از سال‌ها مبارزه بر علیه رژیم ستم شاهی، در نهایت، در سال ۱۳۵۷ به عمر ۲۵۰۰ ساله رژیم پادشاهی در ایران پایان دهد و بزرگ‌ترین انقلاب قرن بیستم را رقم بزند.

امام خمینی (ره) این ابرمرد تاریخ، مدیر و مدبر در خصوص استکبار می‌فرماید:

«من باز می‌گویم همه مسئولان نظام و مردم ایران باید بدانند که غرب و شرق تا شما را از هویت اسلامی‌تان، به خیال خام خودشان بیرون نبرند، آرام نخواهند نشست. نه از ارتباط با متجاوزان خشنود شوید و نه از قطع رابطه با آنان رنجور، همیشه با بصیرت و با چشمانی باز به دشمنان خیره شوید و آنان را آرام نگذارید که اگر آرام گذارید، لحظه‌ای آرامتان نمی‌گذارند.» (مؤسسه نشر آثار امام، ۱۳۸۱: ۶۷)

امام خمینی (ره) آمریکا را شیطان بزرگ خواند و فرمودند: «آمریکا هیچ غلطی نمی‌تواند بکند.» امام راحل این مطلب را از روی تدبیر و با اتکا به ایمان لایزال الهی بیان فرمودند، و ناشی از قدرت رهبری معظم‌له بوده است.

ج) فرهنگ غنی دینی و ملی

یکی دیگر از قدرت داخلی کشورمان، وجود فرهنگ غنی اسلامی و ملی می‌باشد، این مقوله با ترکیب یکدیگر، می‌تواند قدرت فرهنگی ما را در برابر دشمنان و فرهنگ مبتذل و عریان غربی بالا ببرد. امروزه در دنیای پرمتلاطم فرهنگی، ملت‌های فاقد تاریخ و فرهنگ به راحتی و خیلی زود، در فرهنگ غرب ذوب می‌شود. اما کشوری چون ایران، از فرهنگ غنی ملی و دینی برخوردار است، در صورت هدایت صحیح، و ایجاد راه‌کارهای مناسب و داشتن یک راهبرد کارآمد، می‌تواند از تهاجم فرهنگ غرب در امان بماند.

تهاجم فرهنگی در عصر حاضر بسیار جدی و عینی است، وجود غول‌های رسانه‌ای غرب از قبیل رادیو، تلویزیون، فیلم‌های آن‌چنانی و اینترنت، امنیت زندگی خصوصی و

اجتماعی بسیاری از ملت‌ها را تهدید می‌کند، هدف آینده‌ی دشمنان ایران، به‌ویژه ایالات متحده، استحاله‌ی فرهنگی ایران است، تا از این راه بتواند، میان جامعه و جوانان حائل ایجاد کرده و این قشر عظیم و خلاق را از پیکره‌ی انقلاب جدا سازد، آن وقت است که به هدف نهایی خود خواهد رسید.

اما جمهوری اسلامی ایران با عنایت به پیشرفت‌های حاصل شده در زمینه‌ی رسانه و اینترنت و برخورداری از فرهنگ غنی دینی و ملی توان مقابله با تهاجم غرب را در سایه‌ی رهنمودها و هدایت رهبری دارا می‌باشد.

هانتینگتون در مورد فرهنگ غنی اسلامی می‌نویسد:

«اهمیت فزاینده هویت دینی و فرهنگی در هیچ‌جا به اندازه جهان اسلام نیست، رستاخیز خودآگاهی اسلامی، جنبش‌های اسلامی و هویت اسلامی در میان مسلمانان تقریباً در سراسر جهان، از مهم‌ترین تحولات اجتماعی، فرهنگی و سیاسی چند دهه گذشته بوده است.» (هانتینگتون، ۱۳۸۲: ۳۵)

د) پیشرفت‌های علمی ایران

از دیگر عوامل قدرت داخلی، می‌توان به پیشرفت‌های علمی اخیر ایران در زمینه‌های مختلف اشاره نمود، امروزه دستیابی ایران به چرخه‌ی سوخت هسته‌ای با اتکای به قدرت علمی دانشمندان جوان خود و بومی ساختن این علم باعث شکفتی جهانیان شده، و از لحاظ پرستیژ نیز جایگاه علمی ایران را به‌طور چشمگیری ارتقا داده است و نیز پیشرفت‌های ایران در زمینه‌ی سلول‌های بنیادی و شبیه‌سازی از دیگر دستاوردهای جمهوری اسلامی ایران است. در چند سال اخیر دانشجویان و دانش‌آموزان ایرانی در اکثر المپیادهای علمی جهان به مقامات بالایی دست یافته‌اند، و نیز پیشرفت‌های صنعتی ایران در زمینه‌های صنعتی به‌ویژه پتروشیمی و نفت و گاز موجب تعجب همگان شده است.

ه) اتحاد و همبستگی

از عوامل و مزیت‌های دیگر قدرت داخلی ایران، برای خنثی‌سازی توطئه‌ها و مقابله با تهدیدات دشمنان، اتحاد و همبستگی است. در طول ۲۷ سال که از عمر انقلاب می‌گذرد، و در این مدت کشور و انقلاب با انواع توطئه‌ها و دسیسه‌ها روبه‌رو بوده و هر ملتی غیر ملت ایران بود، یقیناً به راحتی از پا درمی‌آمد، ولی عنصری به نام اتحاد و همبستگی که در نزد ایرانیان بی‌نظیر است، توانست انقلاب را بیمه نماید. پیروزی بر انواع غائله‌آفرینی، کودتاها، حمله‌ی نظامی آمریکا به طبرس و پیروزی در جنگ تحمیلی که با حمایت و پشتیبانی غربی‌ها و کشورهای عربی از صدام ادامه داشت، در سایه‌ی اتحاد و همبستگی ملت انقلابی ایران میسر گردید.

و) بسیج عمومی

بسیج عمومی یکی دیگر از عناصر قدرت داخلی کشور ما است، ایده‌ی تشکیل بسیج بیست میلیونی که جزو اهداف و آرزوهای بنیانگذار جمهور اسلامی بوده، اکنون با تشکیل هزاران پایگاه و هسته‌های بسیج مردمی، توان نظام جمهوری اسلامی را در این راستا به رخ دشمنان می‌کشد. از طرفی، مقامات کشورمان و در رأس آنها مقام عظمای ولایت، با تدابیر صحیح خود توان به حرکت درآوردن سیلی از بسیج عمومی را در جامعه دارد. چرا که تا کنون هر جا لازم بوده مقام رهبری توانسته است با اقدامات و بیانات امام گونه‌اش مردم را به پای مشارکت اجتماعی رهنمودن سازد تا به حال بزرگ‌ترین اجتماعات بشری و بسیج عمومی مردم در جمهوری اسلامی ایران از سوی مقامات کشورمان تشکیل گردیده است.

مقام معظم رهبری می‌فرماید:

«برادران و خواهران مسئله بسیج، یک مسئله اساسی و اصولی انقلاب است. اگر شما ملاحظه می‌کنید که امام بزرگوار ما این قدر روی بسیج تکیه می‌کردند، ناشی از همان فکر اصولی حاکم بر انقلاب اسلامی است، بر اساس آن فکر اگر بگویم قوام انقلاب به بسیج است گزاف نگفته‌ام.» (شایان فر، ۱۳۸۰: ۸۳)

صحنه‌هایی که تاکنون نماد حضور گسترده بسیج عمومی مردم ایران بوده است عبارتند از:

- ۱) مشارکت گسترده در پیروزی انقلاب اسلامی به رهبری امام راحل؛
 - ۲) شرکت ۹۸/۵ درصدی در رفراندوم قانون اساسی؛
 - ۳) شرکت گسترده و همه‌جانبه در طول هشت سال دفاع مقدس؛
 - ۴) شرکت گسترده در وداع با امام محبوبشان در سال ۱۳۶۸؛
 - ۵) شرکت گسترده در هر سال در آخرین جمعه ماه رمضان در روز جهانی قدس؛
 - ۶) حضور گسترده و همیشگی در اجتماعات و تظاهرات عظیم در مناسبات مختلف.
- و صدها مراسم و اجتماعات دیگری که تا به حال شاهد حضور چشمگیر و بی‌نظیر مردم بوده، نمادی از بسیج عمومی ملت شهیدپرور ایران است.

ز) جوان بودن جمعیت کشور

جمهوری اسلامی ایران در رأس کشورهای قرار دارد که ترکیب جمعیت آن بسیار جوان است و جوان بودن جمعیت ایران برای ما یک فرصت و مزیت است. چرا که جوان دارای پتانسیل و نشاط می‌باشد، همین عناصر می‌توانند در صورت داشتن راهبرد قابل حصول دستاوردهای بی‌شماری برای کشور داشته باشد، زیرا که مزیت‌های جوانان در زمان جنگ به عینیت پیوست، این جوانان بودند که با نشاط بسیار بالای خود در جبهه‌های حق علیه باطل حضور یافتند، و حماسه‌های شهید باقری، شهید زین‌الدین، شهید خرازی و شهید باقری و دیگران بود که موجب شد بتوانند صحنه‌های جنگ را با قوه و نیروی جوان خودشان، به نفع کشورمان تغییر دهند.

ضعف‌ها:

ما در کشورمان با برخی ضعف‌های داخلی که بسیار هم با اهمیت هستند و در صورت عدم توجه به آنها و یا کوتاهی کردن از برطرف نمودن آنها، می‌تواند ما را در مواجهه با

تهدیدات آینده در موضع ضعف مضاعف قرار دهد، و برای غلبه بر تهدیدات و مقابله با توطئه‌های دشمنان ناگزیر از رفع این ضعف‌ها و نواقص هستیم.

الف: بیکاری

امروزه یکی از دغدغه‌ها و مشکلات پر چالش کشورمان مسئله بیکاری است که از آن به نام لشکر بیکاران یاد می‌شود. در دنیای کنونی بیکاری یک معضل اجتماعی محسوب می‌گردد که در صورت عدم پرداختن به این معضل و نیز عدم چاره‌اندیش و تلاش برای کاستن از میزان بی‌کاری، می‌تواند پی‌آمدهای بی‌شماری اجتماعی و سیاسی در پی داشته باشد. امروزه ریشه بسیاری از مسائل سیاسی و اجتماعی در قضیه بی‌کاری نهفته است؛ انسان‌های بیکار نه تنها انگیزه‌ای برای ادامه حیات ندارند، بلکه در برابر بسیاری از مسائل داخلی و فشارهای خارجی نیز بی‌انگیزه و بی‌تفاوت هستند، کما اینکه در راستای اهداف دشمنان داخلی یا خارجی مورد استفاده و بازیچه‌ی دست قرار می‌گیرند، و در مسیر منافع دشمنان حرکت می‌نمایند.

ب) فقر اقتصادی

مسلم است در صورتی که فقر گسترش یابد و راه‌های اساسی برای مقابله و مبارزه با آن اتخاذ نگردد، جامعه دچار فساد و درگیری می‌شود و از طرفی نوعی تبعیض و شکاف میان طبقات مردم حاکم می‌شود که به بدترین صورت ضربه بر پیکره اجتماع وارد خواهد ساخت. این در حالی است که یکی از اهداف مهم اقتصادی اسلامی توزیع عادلانه‌ی درآمدها و جلوگیری از شیوع فقر و فساد و شکاف طبقاتی است. شکاف طبقاتی و وجود فقر و تبعیض به عنوان سه عامل مهم از عوامل است که بر ماهیت سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه تأثیرات منفی گذاشته و ربا، رشوه‌خواری، مظلوم‌کشی، ظالم‌پروری، غضب، اختلاس، سوءاستفاده از بیت‌المال و وابستگی به اجانب را ترویج می‌دهد و اینها اموری هستند که امنیت ملی را تهدید می‌کنند.

ج) نامتوازن بودن توسعه

بی تردید یکی از بزرگ‌ترین مشکلات و نارسایی‌های اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور ریشه در نامتوازن بودن توسعه‌ی اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی در گذشته و حال دارد. چرا که طبق نظر کارشناسان و صاحب‌نظران، نامتناسب بودن توسعه‌ی عوامل فوق و نیز عدم تناسب میان رشد جمعیت و اقتصاد، باعث بروز مشکلات و بحران‌های حال حاضر در مسائل اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی کشور می‌باشد، بسیاری از نارسایی‌های اجتماعی کنونی کشورمان، اعم از فقر، بیکاری، بزهکاری و مشکلات دیگر، به علت عدم توازن میان رشد جمعیت از یک‌سو و عدم تناسب میان اقتصاد و توسعه‌ی اجتماعی و غیره از سوی دیگر بوده است.

د) اختلافات سیاسی میان احزاب

امروزه تنها عامل کشمکش‌ها، نزاع‌ها و دعوای سیاسی و حتی تنش‌های قومی زائده‌ی اختلافات سیاسی میان احزاب می‌باشد، امروزه احزاب به جای اینکه نقش مثبت واسطه‌گری میان مردم و حکومت را ایفا نمایند و در راستای منافع ملی حرکت کنند، به دلیل انحراف از اهداف و در نظر گرفتن منافع حزبی خود، منافع ملی و حاکمیت ملی را فراموش کرده و بر اختلافات دامن می‌زنند، وظایف اساسی تمام احزاب در سراسر جهان حرکت در راستای منافع ملی، انسجام ملی و اقتدار ملی می‌باشد، در غیر این صورت تمام اقدامات و فعالیت‌های آنها تضعیف‌کننده‌ی منافع ملی، حاکمیت ملی و اقتصاد ملی خواهد بود.

ه) اقتصاد تک‌محصولی

یکی دیگر از ضعف‌های اساسی داخل کشور، وجود اقتصاد تک‌محصولی است و اتکا به اقتصاد تک‌محصولی نمی‌تواند موجب رهایی اقتصاد کشور از وابستگی به قدرت‌های خارجی شود. برای اینکه بتوانیم روی پای خودمان بایستیم و وابستگی به خارج را از میان برداریم،

ناچاریم از دست اقتصاد تک‌محصولی رهایی پیدا کنیم، چرا که توان و پایه‌های اقتصادی کشور بسیار بالاست، و دست‌اندرکاران کشور به‌ویژه مسئولان اقتصادی، زمینه‌ی رهایی از اقتصاد تک‌محصولی را فراهم نمایند، بحمدالله این کار شروع شده، که صادرات غیرنفتی در چند سال اخیر بیانگر این واقعیت است.

فرصت‌های خارجی

الف- همسایگی با کشورهای مسلمان

یکی از فرصت‌های خارجی که جمهوری اسلامی ایران می‌تواند از آن در راستای منافع ملی خودش و استفاده از سیاست‌های خارجی خود استفاده نماید، همسایگی با کشورهای مسلمان است. بسیاری از ملت‌های مسلمان کشورهای همسایه به‌ویژه برخی کشورها و ملت‌های خاورمیانه حمایت‌های خود را از جمهوری اسلامی ایران اعلام نموده‌اند. امروز جمهوری اسلامی ایران از محبوبیت بسیار خوبی در میان ملت خاورمیانه مثل لبنان، فلسطین، عراق و ... برخوردار است و اینها فرصت‌هایی هستند که می‌توانند در راستای منافع ملی در مواجهه با قدرت‌های زورگو مورد استفاده قرار گیرند. می‌توان ادعا کرد که چنین محبوبیتی در جهان نسبت به سایر کشورها یا اشخاص سیاسی بی‌نظیر است.

ب- رابطه راهبردی با برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

از دیگر فرصت‌های خارجی برای جمهوری اسلامی ایران، رابطه‌ی راهبردی با برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای می‌باشد. امروزه مواضع مشترک چون ظلم‌ستیزی در جهان، مقابله با توسعه‌طلبی قدرت‌های زورگو به‌ویژه آمریکا، حمایت از مستضعفان و مظلومان جهان و استقلال‌خواهی برخی دولت‌های جهان، باعث شده که این کشورها هرچه بیشتر به یکدیگر نزدیک‌تر و همکاری‌های راهبردی سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و نظامی داشته باشند.

ج- وجود کانون‌های حمایتی از ایران در خارج مرزها

انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (ره) ضمن تأثیر فراوان به روند تحولات در جهان و به عنوان الگوی مبارزه با ظلم و ستم و استکبار جهانی، مورد توجه بسیاری از ملت‌های جهان به‌ویژه ملت‌های خاورمیانه قرار گرفت؛ یعنی باعث بیداری امت‌های اسلامی و جنبش‌های مبارز در جهان اسلام شده است. نهضت‌های آزادی‌بخش یکی دیگر از جنبش‌هایی بود که با تأثیرپذیری چشمگیرانه انقلاب اسلامی ایران و اندیشه‌های امام خمینی (ره) توانست تأثیر زیادی را بر روند تحولات در برخی کشورهای جهان اسلام به‌ویژه خاورمیانه بگذارد. حزب‌الله لبنان، اخوان المسلمین مصر، جنبش‌های مبارز فلسطین، گروه‌هایی در افغانستان از این دسته از جنبش‌های دیگر در اقصی نقاط دنیا وابستگی‌های معنوی با جمهوری اسلامی ایران دارند، مجلس اعلاى عراق و سپاه بدر نیز از این قبیل‌اند.

د- اشتراکات فرهنگی با کشورهای همسایه

یکی دیگر از فرصت‌ها و امتیازات برای کشورمان همسایگی با کشورهای منطقه و مسلمان است که دارای اشتراکات فرهنگی و مذهبی هستیم. این عوامل باعث نزدیکی ملت‌ها و دولت‌های منطقه به هم می‌گردد. تعدادی از جمهوری‌های آسیای مرکزی در گذشته‌ای نه چندان دور جزو خاک ایران بوده‌اند و هنوز اشتراکات فرهنگی، مذهبی و زبانی بسیار نزدیک داریم. کشور تاجیکستان به عنوان کشور فارس زبان و افغانستان نیز همان‌طور و جمهوری آذربایجان و سایر جمهوری‌های جدا شده از اتحاد جماهیر شوروی سابق با ایران دارای اشتراکات فرهنگی هستند، بنابراین، در صورت داشتن راهبرد صحیح می‌توانیم از فرصت‌های پیش‌آمده نهایت استفاده را بنماییم.

ه- حمایت از مردم فلسطین موجب محبوبیت برای ایران

از دیگر فرصت‌هایی که نصیب جمهوری اسلامی ایران گردیده است، محبوبیت ایران در میان ملل مختلف به‌ویژه مسلمانان و بالخصوص فلسطینیان است که به خاطر حمایت از مردم فلسطین و آرمان‌های آن در طول انقلاب اسلامی به دست آمده است؛ چرا که تا قبل از انقلاب

اسلامی، هیچ دولتی یا ملتی جرأت طرح مسئله فلسطین و مطالبی را که بر آن رفته بود، نداشت؛ اما استقرار انقلاب اسلامی در ایران به رهبری امام راحل، تحول جدیدی در مسئله فلسطین ایجاد شد، حمایت امام خمینی (ره) از مردم فلسطین و نامگذاری جمعه آخر ماه مبارک رمضان به روز آزادی قدس، موجب بیداری امت اسلامی و توجه به مسئله فلسطین شد.

و- جایگاه ایران پس از سقوط صدام در عراق

درست است که غرب به رهبری آمریکا، با هجوم گسترده توانست صدام و حزب بعث را از قدرت کنار بزند و عراق را از زیر سلطه حکومت دیکتاتوری صدام برهاند، ولی برخلاف پیش‌بینی‌های آنهایی که فکر می‌کردند مردم عراق به آنها گل هدیه خواهند کرد، ورود آنان را مبارک خواهند گفت، ولی برخلاف تصورشان این اتفاق رخ نداد و با مرور زمان و وقوع حوادث بعدی که تا کنون نیز ادامه دارد، غرب به رهبری آمریکا و نیروهای اشغالگر روز به روز در نزد افکار عمومی مردم عراق منفور و منفورتر شدند. چرا که مردم و رهبران عراق به‌ویژه علما فهمیدند که آنها برای سرنگونی صدام نیامده‌اند، بلکه برای به غارت بردن منابع عراق و مبارزه با اسلام، به‌ویژه تشیع آمده‌اند.

ز- نقش ایران در تحولات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای

پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و ایجاد حکومت جمهوری اسلامی با اکثریت ۹۸/۸ درصدی با آرای مستقیم مردم، و به رهبری داعیان و هوشمندانه‌ی معمار کبیر انقلاب و ارائه‌ی ایده‌ها و اندیشه‌های ناب برای جهانیان از سوی معظم‌له، و الگو قرار گرفتن اندیشه‌های امام در جهان به‌ویژه در جهان اسلام، و روح دمیدن بر مبارزات بی‌روح ملت‌های منطقه به‌ویژه در جهان اسلام، در اندک زمان توانست اثر شگرفی بر مسائل بین‌المللی بگذارد. امام (ره) ضمن توصیه رهبران جهان بر مسائل اخلاقی و رعایت حقوق ملت‌ها خواهان احترام به شأن و منزلت انسان‌ها بود. امام راحل بدون هیچ‌واهمه‌ای سران و قدرتهای استکباری را از دست‌اندازی بر حقوق ملت‌ها برحذر داشت. امام راحل در طول عمر سیاسی خود، به‌ویژه در

زمان رهبری انقلاب بدون هیچ پرده‌پوشی و کوچکترین بیرون‌رفت از مصایب در نظام سلطه شد. امام راحل پا را از این هم فراتر نهاد و با نوشتن نامه‌ی تاریخی به هیأت رئیسه اتحاد جماهیر شوروی، یعنی گورباچف، ایشان را از فروپاشی کمونیسم در زمان کوتاه و سپرده شدن آن به زیالهدان تاریخ مطلع ساخت.

تهدیدهای خارجی (آمریکا)

- ۱) استقرار نیروهای آمریکایی در عراق (در کنار مرزهای جنوبی ایران) به عنوان تهدید آینده؛
- ۲) حضور نظامی آمریکا در مرزهای شرقی ایران (افغانستان)؛
- ۳) سایر نقاط تهدید علیه جمهوری اسلامی ایران از سوی آمریکا.

حضور نظامی آمریکا در عراق به عنوان یک تهدید پیش روی جمهوری اسلامی ایران به حساب می‌آید، آمریکا سالیان سال بود که به دنبال چنین فرصتی بود تا بتواند حضور قدرتمند و گسترده نظامی خود را در خاورمیانه و به‌ویژه در خلیج فارس و در کنار مرزهای ایران به رخ رقبای خود بکشد، تا از این طریق ضمن کنترل مسائل و موضوعات خاورمیانه تسلط بر این منطقه‌ی راهبردی، به دست‌گیری جریان انرژی و هم‌چنین کنترل جمهوری اسلامی ایران و قطع رابطه‌ی نزدیک ایران با دول منطقه به‌ویژه روابط دوستانه و راهبردی ایران با کشورهای سوریه، لبنان، فلسطین و غیره از اهداف بلندمدت دیگر آمریکا می‌باشد.

پروفسور حمید مولانا، تحلیلگر مسائل سیاسی و تجزیه و تحلیل‌کننده‌ی اهداف آمریکا در روزنامه‌ی کیهان می‌نویسد:

«یک سال قبل سیمور هرش یکی از نویسندگان مجله‌ی نیویورگر از قول مقامات دولتی آمریکا گزارش داد که هدف آینده نظامی آمریکا حمله به کشور ایران است و بدین منظور آمریکایی‌ها جاسوسان موردنظر را روانه آن کشور کرده‌اند و اهداف اصلی تعیین چند نقطه اصلی مورد حمله آمریکاست (۱۷ ژانویه ۲۰۰۵، در مصاحبه با شبکه تلویزیونی سی.ان.ان). در اوایل بهار امسال (۹ آوریل ۲۰۰۶) روزنامه‌مهم واشنگتن پست تیتیر صفحه اول خود را به نقشه

دولت بوش و مطالعه و بررسی حمله نظامی به ایران اختصاص داد که بلافاصله توسط خود رئیس جمهور و مقامات کاخ سفید تکذیب شد. (مولانا، ۱۳۸۵: ۱۶)

تبیین راهبرد آینده ایران در برابر تهدیدات آمریکا مربوط به حضور نظامی گسترده آمریکا پس از اشغال دو کشور افغانستان و عراق می‌باشد، که با استقرار همزمان نیروی نظامی آمریکا در منطقه و در کنار مرزهای جنوبی و شرقی کشورمان، و نیز گسیل تجهیزات متنوع نظامی به منطقه، موجب نگرانی ایران شده است، یعنی حضور نیروهای آمریکایی در نزدیکی مرزهای شرقی و جنوبی ایران، زمینه‌های تهدید را نسبت به امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران فراهم می‌سازد و شاید بتوان به جرأت ادعا نمود که وقوع چندین انفجار در اهواز طی نزدیک به دو سال و ناامنی در مرزهای شرقی کشور و نیز آدم‌ربایی در سیستان و کشتار مردم بی‌دفاع این استان و نیز کشتارهای اخیر در جاده بم، در راستای حضور نظامی آمریکا در منطقه و پشتیبانی از تروریست‌ها و خودفروختگان داخلی قرار دارد، می‌پردازد.

تهدیدات آمریکا علیه جمهوری اسلامی ایران در طی چند ساله بحران هسته‌ای ایران به اوج خود رسیده است، مقامات کاخ سفید هماهنگ با رسانه‌های جمعی آمریکا، غرب و رژیم صهیونیستی، در قالب مقالات، تحلیلی و سخنرانی اقدام به تهدید ایران کرده‌اند، گاهی تهدید حمله به تأسیسات هسته‌ای ایران با همکاری اسرائیل را به زبان رانده‌اند و گاهی نیز حمله نظامی از سوی آمریکا صورت دیگر تهدیدات علیه ایران بوده است. ولی آنچه که قبلاً نیز به آن اشاره گردید، نه آمریکا و نه اسرائیل جرأت هرگونه اقدام نظامی علیه ایران را ندارند، چرا که می‌دانند پاسخ ایران بسیار فراگیر و کوبنده خواهد بود، به‌ویژه که اسرائیل در تیررس مستقیم ایران قرار دارد و با چند موشک هدف قرار گرفته به ویرانه‌ای تبدیل خواهد شد.

در این راستا چند سؤال اساسی پیش می‌آید:

۱- آیا آمریکا به رهبری بوش و تیم ضد ایران او توان رویارویی نظامی و در نهایت وارد

ساختن یک ضربه نظامی به ایران را داشت؟

۲- اگر توان آن را داشت پس چرا تاکنون این عمل را انجام نداده است؟

در پاسخ سؤال اول باید گفت آمریکا توان رویارویی نظامی و وارد ساختن یک ضربه نظامی به ایران را ندارد به چند دلیل:

الف) آمریکایی‌ها از توان نظامی ایران باخبرند و می‌دانند که پاسخ ایران کوبنده‌تر خواهد بود و اگر غیر از این بود تاکنون آمریکایی‌ها از هیچ اقدام نظامی دریغ نمی‌کردند.

ب) در پاسخ سؤال دوم هم باید گفت که آمریکایی‌ها توان حمله را دارند، یعنی امکانات و تجهیزات لازم را دارند، ولی به دو دلیل این کار را انجام نمی‌دهند: اول این که می‌دانند که جواب ایران به هر حمله‌ای محکم و کوبنده‌تر خواهد بود؛ دوم این که بیرون‌رفت از این بحران دیگر در اختیار آمریکا نخواهد بود. و از طرفی حامیان ایران در منطقه به ویژه در عراق، لبنان، فلسطین و به طور کلی خاورمیانه و نیز طرفداران جمهوری اسلامی ایران در سراسر جهان به منافع حیاتی آمریکا ضربه خواهند زد. بنابراین، آمریکا توان حمله نظامی به ایران را نخواهد داشت، و نیز حامی او یعنی اسرائیل هم از رجزخوانی‌های خود عقب‌نشینی کرده است. اما تهدیدات پایان نیافته است، یعنی باید هوشیار و آماده بود و راهبرد مقابله با تهدیدات آمریکا را به صورت بسیار کارآمد و قابل پیاده شدن تبیین نمود و هر نوع تحرک دشمنان را تحت نظر دقیق قرار دارد.

«چارلزپنا (Charlspena)، مدیر بررسی سیاست دفاعی مؤسسه کاتو، احتمال حمله قریب‌الوقوع آمریکا به ایران را بسیار بعید دانسته و با این حال معتقد است فرض بمباران سایت‌های هسته‌ای ایران ممکن می‌باشد، چرا که نه نیروی هوایی و نه نیروی دریایی آمریکا در عراق درگیر نیستند.» (رازانی، ۱۳۸۳، ۲۰۶)

«یکی از تهدیداتی که در نتیجه حضور اشغالگران آمریکایی در عراق بیش از پیش رخ می‌نماید، احتمال گسترش فعالیت گروهک منافقین می‌باشد، اخباری که از آن یاد کردیم، می‌تواند در جهت تقویت این فرضیه به کار آید.» (پیشین، ۲۱۷)

هم‌جواری آمریکا با ایران در جریان اشغال نظامی عراق، می‌تواند تهدیدات زیر را بر علیه ایران در کوتاه‌مدت و بلندمدت به دنبال داشته باشد:

- ۱) احتمال حمله نظامی از طریق مرزهای عراق به ایران، و در غیر این صورت حمله هوایی به سایت‌های هسته‌ای و مراکز اقتصادی ایران؛
 - ۲) استفاده از منافقین به عنوان ابزاری برای تهدید ایران؛
 - ۳) ایجاد اختلافات قومی و مذهبی در استان خوزستان و کرمانشاه، به منظور وارد ساختن فشارهای بیشتر سیاسی و نظامی بر ایران؛
 - ۴) جاسوسی بر علیه مراکز حساس و محرمانه ایران توسط نیروهای سیا (CIA) و یا دستگاه‌های مخصوص جاسوسی؛
 - ۵) اشاعه فرهنگ عریان غربی در میان جوانان ایران به منظور بی‌هویت ساختن آنان.
- آمریکا با تحت پوشش قرار دادن سازمان مجاهدین خلق (منافقین) قصد به‌کارگیری آنها علیه جمهوری اسلامی ایران را دارد. آمریکا در راستای منافع خود از منافقین به عنوان ابزار استفاده می‌کند. یعنی گاهی آنها را در لیست گروه‌های تروریستی قرار می‌دهد و گاهی نیز از آنان برای ضربه زدن بر علیه ایران استفاده می‌کند.
- در خصوص نحوه رویایی و برخورد با ایران، در آمریکا سه دیدگاه وجود دارد:

الف) تساهل و مدارا

این دیدگاه ضمن ناکارآمد خواندن فشارهای آمریکا علیه ایران خواهان بازنگری اساسی در شیوه‌های برخورد با ایران هستند. «بوستون طاب» در این زمینه می‌نویسد:

«تعریف سیاست در قبال ایران، وظیفه مهمی برای رئیس‌جمهور آینده آمریکا خواهد بود. منطقی‌ترین رویکرد این است که از تحمیل خواسته‌ها و تغییر نظام حاکم با توسل به زور اجتناب شود و رئیس‌جمهور نیاز خواهد داشت راه‌های کاربردی و قابل‌اعمال را در رابطه با نظام مذهبی ایران برگزیند. چرا که این نظام در ایران پا برجاست و مخالفت با آن تنها به تثبیت پایه‌های آن خواهد انجامید.» (پیشین، ۱۸۶)

این افراد عبارتند از: «ریچارد مورفی، گری سیک و شرین هارتر که از طرفداران گرایش مصالحه‌جویانه هستند.» (همان)

ب) تقویت فشارها

«بر اساس این رویکرد، ایالات متحده می‌بایست در راستای تغییر خوی و روش‌های حکومت جمهوری اسلامی، به تقویت فشارهای داخلی و خارجی بر آن همت گمارد. طرفداران این رویکرد خود طیف گسترده‌ای از میانه‌روان‌ها (میانه‌روها) تا افراط‌گرایان را شامل می‌شوند. میانه‌روان خواهان متمایل ساختن اروپاییان به همراهی بیشتر با تحریم‌های ایالات متحده بر ضد ایران هستند. در حالی که افراط‌گرایان با اعتقاد بر لزوم تشدید هرچه بیشتر فشارهای اقتصادی و سیاسی علیه ایران، متحول ساختن ماهیت نظام حاکم بر ایران را تعقیب می‌کنند. میانه‌روان بیشتر در وزارت امور خارجه آمریکا و تندروان عمدتاً در کنگره و محافل یهودی حضور دارند.» (همان، ۱۸۸-۱۸۹)

«در مجموع سیاست‌های خصمانه دولت آمریکا علیه ایران در دوره‌ی زمامداری بوش، در قالب رویکرد دوم قابل تجزیه و تحلیل است. مظاهر این رویکرد را می‌توان مختصراً در اقدامات زیر برشمرد:

- ۱- قرار دادن نام ایران در فهرست کشورهای "محور شرارت"؛
- ۲- متهم کردن جمهوری اسلامی به ایجاد اخلاص در روند صلح خاورمیانه، حمایت از تروریسم و نقض اصول دموکراسی و حقوق بشر؛
- ۳- متهم ساختن ایران به تلاش در جهت تولید و تکثیر سلاح‌های کشتار جمعی و اعمال فشار بر آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و دول اروپایی برای ارجاع پرونده به شورای امنیت؛
- ۴- تحت فشار گذاشتن روسیه برای توقف همکاری‌های اتمی با ایران؛
- ۵- متهم نمودن ایران به پناه دادن به سران القاعده؛
- ۶- متهم نمودن جمهوری اسلامی به مداخله و اعمال نفوذ در امور همسایگان شرقی و غربی؛
- ۷- تمدید تحریم‌ها و تلاش جهت منزوی ساختن ایران در معادلات امنیتی منطقه؛
- ۸- کوشش برای ایجاد شکاف میان احزاب و گروه‌های سیاسی در ایران؛

۹- جنگ تبلیغاتی و عملیات روانی علیه جمهوری اسلامی ایران و ترغیب ناراضیان داخلی بر ایجاد بحران، آشوب‌های اجتماعی و نافرمانی‌های مدنی.» (همان، ۱۹۳-۱۹۴)

ج) اقدامات نظامی

«طرفداران این رویکرد، محافظه‌کاران تندرویی می‌باشند که عمدتاً در وزارت دفاع، کنگره و برخی دیگر از تصمیم‌گیری‌های ایالات متحده حضور دارند. این گروه اساساً امکان هر گونه تعامل متعارف با ایران را زیر سؤال برده و معتقدند تنها راه مقابله با خطر ایران توسل به ابزار نظامی جهت سرنگون‌سازی حکومت ایران می‌باشد. این رویکرد هنوز به رویکرد غالبی در مورد نحوه برخورد آمریکا با ایران تبدیل نشده و چنان که پیش‌تر نیز اشاره کردیم، میزان احتمال اتخاذ چنین رویکردی از سوی دولت آمریکا در آینده به مسائلی چون روند تحولات عراق، ترکیب تیم تصمیم‌گیرنده آمریکا و میزان موفقیت تندروان در امنیتی‌تر کردن ایران در افکار عمومی داخلی و خارجی و سرانجام کسب حمایت لازم برای ورود به جنگ با ایران، بستگی دارد.» (همان، ۱۹۴)

ویژگی‌های استراتژی بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران

افزایش قدرت ملی سیاسی، اقتصادی، نظامی، علمی، فناوری در ابعاد گوناگون

افزایش و تقویت قدرت ملی در ابعاد گوناگون (اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و فناوری) می‌تواند به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین فاکتور و ویژگی بازدارندگی در راهبرد هر کشوری به خصوص جمهوری اسلامی ایران برای مقابله با تهدیدات دشمنان و خنثی‌سازی توطئه‌های آنها به حساب آید. جمهوری اسلامی ایران باید و به هر نحوی توان اقتصادی، سیاسی، نظامی، علمی و فناوری خود را بالا ببرد، و بتواند فاصله ایجاد شده در میان هر یک از این بخش‌ها و رساندن خود به کشورهای پیشرفته، مانع عملی شدن تهدیدات قدرت‌های استکباری علیه خود شود.

بدین ترتیب به بررسی هر یک از مؤلفه‌های قدرت ملی می‌پردازیم.

۱- سیاسی

استفاده از فرصت‌ها و قوت‌ها برای پیشبرد اهداف سیاسی موجب می‌گردد که قدرت دیپلماسی، چانه‌زنی و تأثیرگذاری بر روندهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای کشور به حد مطلوب و ایده‌آل رسیده و تقویت گردد؛ قدرت سیاسی در عرصه‌ی روابط و سیاست بین‌الملل زمانی ظهور و بروز می‌یابد که نشان‌دهنده تأثیر بر روندها باشد، برای مثال، امروزه همگان می‌دانند که ایران یک قدرت سیاسی و صاحب نفوذ در منطقه‌ی راهبردی خاورمیانه می‌باشد، و به عنوان یک بازیگر مهم به حساب می‌آید.

۲- اقتصادی

از دیگر ویژگی‌های راهبرد بازدارندگی جمهوری اسلامی ایران برخوردار از یک اقتصاد سالم و قوی مبتنی بر منابع داخلی می‌باشد، که چنین اقتصادی می‌تواند ضمن تعامل با اقتصاد دنیا از فرصت‌های پیش‌آمده نهایت استفاده را به عمل آورد. وقتی کشوری دارای اقتصاد قوی و از توان بالای اقتصادی در حوزه‌ی داخلی و خارجی برخوردار باشد، می‌تواند در برابر هر نوع تهدیدی عکس‌العمل متقابل از خود بروز دهد و امکانات لازم برای مقابله و فشار آوردن بر طرف مقابل را داشته باشد. امروزه برخی از کشورها که فاقد قدرت نظامی می‌باشند، با استفاده از قدرت اقتصادی به مقابله با جنگ دشمن خود می‌روند، نمونه‌ی بارز این کشورها ژاپن می‌باشد که توان تأثیرگذاری بسیار بالای بر روندهای بین‌المللی دارند و به عنوان یک قدرت اقتصادی تأثیرگذار و نیز یک وزنه و صحنه‌گردان در فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی به حساب می‌آیند.

بنابراین، ملت ایران نه تنها هیچ چیزی کمتر از ژاپنی‌ها ندارند، بلکه امکانات فراتر از ژاپن را برای تبدیل شدن به یک قدرت اقتصادی قوی و برتر را در اختیار دارند؛ منابع اولیه‌ی بسیار عظیم، نیروی انسانی مستعد، جوان، روحیه انقلابی و تیزهوشی بالا که برای رسیدن به آرمان‌های انقلاب و اهداف بالا، یک ویژگی منحصر به فرد به حساب می‌آیند. مدیریت، تدبیر و

سیاست صحیح راه رسیدن به یک اقتصاد سالم و عدم وابسته به قدرت‌های سلطه‌گر برای کشورمان فراهم می‌آورد.

۳- نظامی

یکی دیگر از ویژگی‌های راهبرد بازدارندگی افزایش قدرت نظامی و دفاعی می‌باشد. قدرت دفاعی و نظامی نوعی بازدارندگی به حساب می‌آید و می‌تواند معادلات دشمنان را برهم بزند، نمونه‌ی این نوع بازدارندگی در جریان رزمایش پیامبراعظم^(ص) ۱ در اوایل سال از سوی ارتش جمهوری اسلامی ایران در آب‌های جنوب کشور و چندین استان دیگر و به‌طور هم‌زمان به اجرا درآمد و نیروهای ارتش جمهوری اسلامی ایران در این رزمایش توان دفاعی خود را با اجرای تاکتیک‌های گوناگون و استفاده از جنگ نامتقارن و با آزمایش انواع سلاح‌های زمینی، هوایی و دریایی به نمایش گذاشتند، آزمایش موشک‌های بسیار پیشرفته‌ی سطحی و زیرسطحی و اژدر پرسرعت که در نوع خود کم‌نظیر بود، قدرت و توان دفاعی ایران را به رخ دشمنان به‌ویژه آمریکا کشید.

بنابراین، قدرت دفاعی و نظامی و دستیابی به فنون جدید نظامی و دفاعی برای دفاع از دستاوردهای انقلاب اسلامی و بازدارندگی در برابر هر تهدیدی به حساب می‌آید و موجب تجدید نظر دشمنان در برابر تهدیدات آنها بر علیه جمهوری اسلامی ایران می‌شود.

۴- علمی

یکی دیگر از ویژگی‌های راهبرد بازدارندگی، افزایش توان و قدرت علمی در رشته‌های مختلف می‌باشد. چرا که توان علمی بالا و ممتاز موجب گسترش تحقیقات و پویایی مراکز علمی، دانشگاهی در جوامع شده و کشور را به عنوان یک قدرت علمی در جهان و مراکز علمی دنیا مطرح می‌نماید و خود به خود موجب شناخت بیشتر کشور و مراکز علمی و دانشمندان می‌شود و مراودات علمی را در پی خواهد داشت. مبادلات علمی میان دولت‌ها و مراکز علمی جهان، باعث شناخته شدن کشور می‌گردد. در این حالت چون نخبگان علمی در

هر کشوری به‌ویژه کشورهای غربی اثرات بر سیاست داخلی و خارجی آن کشورها دارند، در نتیجه می‌توانند در تصمیمات سیاستمداران کشورشان تأثیرگذار باشند، و دولت را در تحمیل فشارها بر جمهوری اسلامی ایران تحت فشار قرار داده و خواهان گفتگو و تعامل میان کشورشان با ایران شوند. اکنون این سیاست یکی از دیپلماسی‌های فعال جمهوری اسلامی ایران است، که زمینه را برای مبادلات و تعاملات علمی میان نخبگان خود با سایر دول غربی به‌ویژه آمریکا فراهم می‌نماید و دیدارهای علمی در جریان است. سرمایه‌گذاری در زمینه‌های علمی در چند سال اخیر نتایج خوبی را به شرح زیر به دنبال داشته است:

- ۱) افزایش تعداد مقالات علمی و پژوهشی در کشور و در سطح دنیا و چاپ آن از سوی مجلات علمی معتبر دنیا؛
- ۲) گسترش تحقیقات علمی در زمینه‌های مختلف؛
- ۳) دستیابی دانشمندان ایران به سلول‌های بنیادین؛
- ۴) دستیابی محققان ایران به علم شبیه‌سازی که نتیجه آن تولد اولین گوسفند شبیه‌سازی شده به نام آریانا در اوایل مهرماه ۸۵؛
- ۵) دستیابی دانشمندان ایرانی به چرخه‌ی کامل سوخت هسته‌ای؛
- ۶) تولید واکسن‌های مختلف، و حتی کشف واکسن جدید چندمنظوره؛
- ۷) دستیابی به شاخص‌های بالای بهداشتی که ایران را در منطقه خاورمیانه و افریقا به عنوان نمونه معرفی می‌نماید؛
- ۸) ده‌ها دستاورد علمی مختلف دیگر.

۵- فناوریانه

از دیگر ویژگی‌های راهبردی بازدارندگی، دستیابی به فناوری برتر و نو می‌باشد. کشورهای دارنده چنین فناوری‌هایی، توان قدرت‌نمایی بسیار بالایی را در عرصه‌ی علمی، اقتصادی، نظامی و سیاسی دارند. چرا که برخورداری از این فناوری‌ها به‌ویژه فناوری‌های نو مانند نانو تکنولوژی‌ها توان رقابت در عرصه بین‌المللی را صدچندان نموده و دستاوردهای

ارزی و اقتصادی فراوانی را به دنبال دارد. جمهوری اسلامی ایران اکنون در حال دستیابی به تکنولوژی‌های یاد شده می‌باشد، قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، ایران هیچ دستاوردی در این زمینه نداشت، ولی بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، جمهوری اسلامی ایران با اتکا به توان علمی و تلاش و کوشش جوانان پر استعداد خود به این فناوری‌ها دست پیدا کرده است.

سیستم دفاعی ایران

الف) تسلیحات هسته‌ای

تسلیحات هسته‌ای یکی از ویژگی‌ها و زیرسیستم راهبرد بازدارندگی به‌شمار می‌رود. وقتی صحبت از راهبرد بازدارندگی به میان می‌آید ناخودآگاه ذهن متوجه جایگاه بمب هسته‌ای و یا تسلیحات در راهبرد بازدارندگی می‌شود. امروزه دولت‌های زورگو و مستکبر راهبرد بازدارندگی خود را بر اساس توانایی‌های هسته و تسلیحات هسته‌ای تدوین می‌نمایند و حتی به‌طور علنی صحبت از جنگ پیشگیرانه که همان به‌کارگیری تسلیحات هسته‌ای است، می‌کنند. آمریکا بارها تهدید کرده است که در صورت احساس خطر از سوی هر کشوری به‌ویژه جمهوری اسلامی ایران از جنگ پیشگیرانه استفاده می‌کند. بدین ترتیب دکترین نظامی آمریکا مبتنی بر بازدارندگی هسته‌ای می‌باشد.

ولی جمهوری اسلامی ایران بارها اعلام داشته است که بمب و تسلیحات هسته‌ای هیچ جایگاهی در دکترین و سیستم دفاعی ایران ندارد. زیرا بحران‌ها، چالش‌ها و جنگ‌های چند دهه گذشته که یک طرف آن قدرت‌های استکباری دارای تسلیحات هسته‌ای بوده‌اند، هرگز نتوانسته‌اند از سلاح هسته‌ای به عنوان ابزار بازدارنده بر علیه ملت‌ها استفاده نمایند. بنابراین جمهوری اسلامی ایران با برخورداری از نیروی عظیم انسانی نیاز به بمب اتم به عنوان نیروی بازدارنده در برابر تهدیدات دشمنان خود ندارد.

ب) تأسی به ارزش‌های دینی عامل وحدت، بازدارندگی و فراتر از بمب اتم

عامل بازدارندگی که جمهوری اسلامی از آن در سیستم دفاعی خود استفاده می‌کند و بر تمام تهدیدها، توطئه‌ها و اقدامات خصمانه چیره شده و آنها را خنثی و بی‌اثر می‌کنند وحدت

مردم، ارزش‌های دینی و پشتیبانی ملت از دولت مردان کشورمان و حضور به موقع در تمام صحنه‌های حساس می‌باشد. از این رو، کشوری که از چنین ثبات سیاسی و مشروعیتی بهره‌مند است و در رأس آن رهبر مقتدر، مدبر، آگاه، بصیر و آشنا به مسائل سیاسی اجتماعی، اقتصادی، نظامی، علمی و فرهنگی قرار دارد، هیچ آسیبی آن را تهدید نمی‌کند. مهمتر از همه این مملکت متعلق به ولی عصر (عج) است و او پشتیبان و حامی ملت شریف ایران است.

کارشناسان و صاحب‌نظران آمریکایی اذعان نموده‌اند به اینکه سه عامل مانع شکست و از پا درآمدن جمهوری اسلامی ایران است:

۱- انتظار فرج؛

۲- تأسی از نهضت عاشورا؛

۳- ولایت فقیه؛

۴- یک عامل را بنده اضافه می‌کنم و آن وحدت، اتحاد، همدلی و همبستگی مردم ایران است.

نتیجه

صحنه‌ی روابط و سیاست بین‌الملل به علت اعمال نفوذ در قدرت‌های سلطه‌گر عرصه‌ی کشمکش‌های مبتنی بر حاصل برد و باخت شده است. بنابراین، در چنین نظام حاکمی بر جهان باید در حوزه‌های یاد شده دارای اقتدار گردید تا بتوان از منافع خود دفاع نمود. از این رو، قدرت را منشأ رسیدن به چنین جایگاه نشان می‌دهد.

کشورهایی که دارای قدرت تأثیرگذاری بر مسائل جهانی هستند (اقتصادی، علمی، فناورانه، سیاسی، قطعات (دفاع) و فرهنگی هستند، به علت برخوردارگی از قدرت در ابعاد گوناگون می‌باشند. قدرت هسته‌ای امروزه یک بازدارنده محسوب می‌گردد. هر کشوری که از این فناوری برخوردار است در برابر قدرت‌های سلطه‌گر از توان چانه‌زنی بالایی بهره‌مند هستند، مثل چانه‌زنی هند و پاکستان در برابر قدرت‌های بزرگ ناشی از قدرت هسته‌ای این کشورهاست. یا علت تسلیم ژاپن در جنگ جهانی دوم در برابر آمریکا در پایان جنگ ۱۹۴۵

قدرت هسته‌ای آمریکا بود، که با بمباران ناکازاکی و هیروشیما منجر به تسلیم ژاپن شد، پس این یک اصل اثبات شده به حساب می‌آید.

بنابراین، علت مخالفت شدید غرب به‌ویژه آمریکا با برنامه‌های هسته‌ای منشأ بازدارندگی این فناوری برتر است. آنها اینک می‌دانند در صورت هسته‌ای شدن ایران یقیناً موازنه‌ی قوا در خاورمیانه و خلیج فارس به نفع ایران و مسلمانان به‌ویژه شیعیان در هلال شیعی تغییر خواهد کرد. این ادعای ما نیست، چرا که بارها صاحب‌نظران غربی - آمریکایی و مقامات کاخ سفید به این امر مهم اعتراف نموده‌اند. آنها متوجه شده‌اند در صورت هسته‌ای شدن ایران، این کشور به الگوی بی‌چون و چرا برای سایر ملت‌های تحت نفوذ به‌ویژه ملت‌های آزادی‌خواه و دولتهای آنها تبدیل خواهد شد. با توجه به حوزه‌ی نفوذ ایران در منطقه و جهان سران غرب را شدیداً نگران ساخته است. از طرفی تسلط ایران به حوزه‌ی انرژی جهان و تنگه هرمز که این انرژی از این تنگه عبور می‌کند (حدود ۳۵٪ انرژی جهان) بر نگرانی غرب به ویژه آمریکا افزوده است که در صورت تبدیل شدن ایران به یک قدرت بلامنازع منطقه‌ای رویارویی با آن در آینده، بسیار دشوار و مشکل خواهد بود.

در مجموع باید گفت بحران به وجود آمده در برنامه هسته‌ای ایران به‌ویژه رفتن پرونده هسته‌ای به شورای امنیت سرمنشأ آمریکایی دارد، چرا که آنها فکر می‌کنند با تبلیغات روانی گسترده در جهان و فشار آوردن بر دولت‌های دیگر قادر خواهند بود با تسلیم ایران و دست کشیدن ملت ایران از این انرژی، جبران شکست‌های قبلی خود را به دست خواهند آورد و به همین علت است که آنها با توسل به راه‌های گوناگون دور از عرف بین‌الملل توان ممانعت از ادامه‌ی برنامه‌های هسته‌ای ایران را دارند. اما یقیناً آنها در بلندمدت توان مقابله با ایران را نخواهند داشت، و بیش از پیش به آبرو و اعتبار خود لطمه خواهند زد. متهم ساختن ایران به دخالت در امور داخلی عراق و همچنین حمایت ایران از تروریست‌ها برای نشانه رفتن سربازان آمریکایی در همین راستا قرار دارد.

پیشنهادها:

پیشنهادها ذیل برای مقابله و خنثی‌سازی تهدیدات و توطئه‌های آمریکا در حال حاضر و آینده بر علیه ایران اسلامی بدین شرح ارائه می‌گردد.

(۱) با استفاده از توان و غنای فرهنگی اعم از ملی و دینی و نیز توان مادی، راهبرد مقابله با تهاجمات فرهنگی غرب را تدوین و متناسب با تبلیغات روانی آنها اقدام به مقابله به مثل نموده و حتی در برخی موارد پیش‌دستی را جزو اقدامات خود قرار دهیم؛

(۲) شناسایی نقاط ضعف دشمن در زمینه‌های مختلف برای ضربه زدن به آنها؛

(۳) شناسایی فرصت‌های داخلی و خارجی برای استفاده به جا و بهینه از آنها؛

(۴) شناسایی مناطق تهدید و نوع تهدید برای اتخاذ راهبرد مقابله مناسب؛

(۵) دستیابی به فناوری‌های بازدارندگی (دفاعی و هسته‌ای صلح‌آمیز)؛

(۶) بالا بردن قدرت نظامی (خودکفایی در زمینه تجهیزات دفاعی راهبردی) که مهم‌ترین عامل بازدارندگی محسوب می‌گردد. به عنوان مثال، مانور پیامبر اعظم (ص) در ارتش و سپاه پاسداران که در آنها انواع تسلیحات نظامی و دفاعی به نمایش درآمد، موجب شگفتی دشمنان به‌ویژه آمریکا گردید.

پیشرفت‌های دفاعی ایران که با آزمایش مدرن‌ترین موشک‌های دفاعی از ابتدای سال تاکنون باعث تجدیدنظر صاحب‌نظران غربی و مقامات غربی در نوع تهدیدات علیه ایران شده است. در ماه‌های اخیر یعنی بعد از صدور قطعنامه‌ی ۱۷۳۷ علیه ایران و عدم توجه و اجرای آن از سوی ایران، تبلیغاتی روانی گسترده‌ای را غرب به‌ویژه آمریکا به راه انداخت و حتی صحبت از حمله‌ی قریب‌الوقوع نظامی علیه ایران از سوی آمریکا بود. ولی با آزمایش موشک‌های جدید دفاعی ایران توسط نیروی دریایی سپاه، به‌ویژه سیستم دفاعی تور M1 یک سپاه و نیز صحبت‌های هوشمندانه‌ی مقام معظم رهبری در دیدار با فرماندهان و نیروهای نیروی هوایی ارتش در سالگرد انقلاب اسلامی و روز تجدید بیعت نیروی هوایی با امام امت (ره) بیان داشته و تبلیغات روانی دشمنان را تحلیل فرمودند، به ایالات متحده هشدار دادند

که در صورت ارتکاب خطا، با پاسخ شدید ایران مواجه شده و منافع آمریکا در سراسر جهان به خطر خواهد افتاد. در فردای همان روز مقامات کاخ سفید و رایس با یک عقب‌نشین آشکار اعلام داشتند آمریکا هیچ قصدی برای حمله‌ی نظامی به ایران را ندارد. حتی خانم رایس به حق ایران برای استفاده صلح‌آمیز از انرژی هسته‌ای اعتراف نمود. بنابراین، نظرات دفاعی بالا یکی از راهبردهای بازدارندگی محسوب می‌گردد.

(۱) اتحاد، همبستگی و وحدت میان مسئولان نظام و ملت غیور ایران یکی دیگر از راهبردهای بازدارندگی است؛

(۲) بالا بردن توان علمی تکنولوژیکی و تحقیقاتی که توان و پتانسیل آن در کشور بسیار بالاست؛

(۳) بالا بردن توان اقتصادی و کاستن از اقتصاد تک محصولی؛

(۴) مبارزه با فقر و بیکاری و ایجاد اشتغال برای جوان؛

(۵) کاستن از فاصله‌ی طبقاتی و اجرای عدالت در جامعه؛

(۶) از بین بردن زمینه‌های اختلافات قومی و مذهبی؛

(۷) استحکام پایه‌های مراکز فرهنگی که مهم‌ترین عامل برای مقابله با تهاجمات فرهنگی محسوب می‌گردد.

با توجه به اینکه کشور جمهوری اسلامی ایران از موهبت‌های فراوان الهی مثل رهبری، عشق به ولایت، مسئولان دلسوز، فرهنگ غنی ملی و مذهبی، ملت با شعور، و حاکم شدن وحدت و همبستگی میان مسئولان و مردم و پتانسیل‌های اقتصادی عظیم و برخورداری از موقعیت راهبردی و ژئواستراتژیکی منحصر به فرد، توان تبدیل شدن به یک کشور قدرتمند در ابعاد گوناگون را دارد. تنها شرط آن هدایت صحیح منابع مادی و انسانی می‌باشد که انشاء... امید داریم که روز به روز بر عظمت و قدرت ایران اسلامی که پرچمدار صلح و امنیت و عدالت‌خواهی در جهان است، بیفزاید.

منابع

- ۱ - مقصود رنجبر، *ایران - آمریکا: گذشته، حال، آینده*، (قم: انجمن معارف اسلامی، ۱۳۸۰)، ص ۱۱ تا ۱۲۱.
- ۲ - علیقلی، امیرحسین، «جایگاه امنیت ملی در استراتژی ملی»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال پنجم، شماره دوم (تابستان ۱۳۸۱).
- ۳ - بزرگ، شیرزاد، *چالش‌های امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، (تهران: معاونت سیاسی نیروی زمینی سپاه، ۱۳۸۰).
- ۴ - مورتون برکووتزوی، *وسی باک، گزیده مقالات سیاسی - امنیتی*، مترجم پژوهشکده مطالعات راهبردی، جلد دوم، (تهران، وزارت خارجه، ۱۳۷۸).
- ۵ - جان ام. کالینز، *استراتژی بزرگ*، مترجم کورش بایندر (تهران: وزارت امورخارجه، ۱۳۸۰).
- ۶ - فرهاد درویشی، *تلاتی، «تالکوت پارسونز و مسأله امنیت ملی»*، *فصلنامه امنیت ملی*، سال او، شماره ۳ (بهار ۱۳۷۹).
- ۷ - علی شیرازی، *طرح‌های مدون آمریکا علیه انقلاب و مردم ایران* (قم: خادم‌الرضا، ۱۳۸۲).
- ۸ - نمایندگی ولی فقیه در نیروی زمینی سپاه، *راهبردهای ولایت (۵)* (تهران: ۱۳۸۱).
- ۹ - غضنفری، کامران؛ آمریکا و براندازی جمهوری اسلامی ایران، تهران: کیا، ۱۳۸۰.
- ۱۰ - باری اسکینر و ویکتور بادوا، "نبردهای آینده و واکنش ایالات متحده آمریکا"، مترجم فرامرز میرزازاده، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال چهارم (زمستان ۱۳۸۰).
- ۱۱ - سیامک باقری، "غریب ناگزیر از پذیرش ایران هسته‌ای"، *صبح صادق*، شماره ۲۲۹، دوشنبه ۷ آذر ۱۳۸۴.
- ۱۲ - واعظی، حسن؛ ایران و آمریکا: بررسی سیاست‌های آمریکا در ایران، تهران: سروش، (۱۳۷۹).
- ۱۳ - مؤسسه نشر آثار امام خمینی (ره)، *خودباوری و خودکفایی از دیدگاه امام خمینی (ره)*، ۱۳۸۱.
- ۱۴ - ساموئل هانتینگتون، "آمریکا در جهان معاصر"، مترجم مجتبی امیری وحید، *اطلاعات سیاسی - اقتصادی*، سال هفدهم، شماره هفتم و هشتم (فروردین و اردیبهشت ۱۳۸۲).
- ۱۵ - شایان‌فر، سلمان؛ *وحدت و امنیت ملی از دیدگاه مقام معظم رهبری*، تهران: نشر نذیر، ۱۳۸۰.
- ۱۶ - مولانا، حمید، «بحران سازی»، *روزنامه کیهان*، شماره ۱۸۵۳۶، ۱۳۸۵/۳/۱۸.
- ۱۷ - رازانی، احسان، *پیامدهای حضور نظامی آمریکا در عراق بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: عقیدتی سیاسی نیروی انتظامی، ۱۳۸۳.

